

ورود غرب به خلیج فارس ۱۹۸۵-۱۹۸۷

نویسنده: آنتونی کردزمن*
مترجم: پریسا کریمی نیا**

اشاره

آنتونی کردزمن یکی از کارشناسان برجسته حوزه خاورمیانه و متخصص مسائل نظامی و امنیتی است. از وی کتاب‌ها و مقالات متعددی درباره مسائل نظامی و استراتژیک به چاپ رسیده که مورد رجوع محققان و افراد صاحب نظر است. مقاله زیر که در دو قسمت درج می‌شود، ترجمه بخشی از کتاب غرب و خلیج [فارس] است. درج این مقاله دلیلی بر درستی همه مطالب و موافقت با دیدگاه‌های نویسنده نیست. وی در مواردی مدعی است که ایران از رژیم اسرائیل سلاح خریداری کرده است، در حالی که، در این دوره، جمهوری اسلامی ایران سلاح‌های مورد نیاز خود را جدا از تولیدات داخلی و غنائم جنگی، از بازارهای آزاد بین‌المللی و با چند برابر قیمت تهیه می‌کرد. به همین گونه است ادعاهای نویسنده در مورد انجام اقدامات خرابکارانه و بمب‌گذاری در کویت که نمی‌توانست با سیاست‌های منطقه‌ای و نظامی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر حفظ آرامش در منطقه، مخالفت با گسترش جنگ و حضور نظامی قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس سازگار باشد. استفاده نویسنده از منابع صرفاً غربی در مواردی موجب ادعاهای غیر قابل قبول شده و بر تحلیل دقیق آن لطمه زده است که مطمئناً، خوانندگان فهیم فصلنامه دقت لازم را خواهند داشت. با این حال، با توجه به ضرورت آشنایی خوانندگان عزیز با دیدگاه‌های نخبگان فکری و کارشناسان نظامی غرب در مورد جنگ ایران و عراق و بهره‌برداری از نقاط مثبت آنها، قسمت اول فصل دهم کتاب مزبور با رعایت اصل امانت در ترجمه ارائه می‌شود.

اهمیت موضوع روابط استراتژیک غرب با دولت‌های خلیج فارس طی دوره ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) و ۱۹۸۷ (۱۳۶۷) افزایش

یافت. جنگ ایران و عراق به مرحله‌ای رسید که برای نخستین بار به نظر می‌رسد احتمال پیروزی ایران بیشتر باشد؛ مرحله‌ای که تهدید ایران علیه کشتیرانی و دولت‌های جنوبی خلیج فارس عملی شد. این فشارها دخالت همه جانبه نظامی آمریکا و تعدادی از متحدان اصلی اروپایی اش را در خلیج فارس به دنبال داشت. تقریباً بلافاصله این دخالت، وابستگی آمریکا به حمایت عربستان و دیگر دولت‌های جنوب خلیج فارس و وابستگی متقابل این کشورها به حضور نظامی غرب را نمایان کرد.

در همین زمان، وقوع حوادثی، مشکلات استراتژیکی را در روابط غرب با دولت‌های خلیج فارس ایجاد کرد. آمریکا نیز به دلیل افزایش ماجرای مبادله مخفی سلاح با گروگان‌ها از سوی ایران عمیقاً شرمسار شد؛ موضوعی که واشنگتن را با اختلافات سیاسی جدیدی بر سر فروش سلاح به منطقه و کسب حمایت متحدان اروپایی و دولت‌های خلیج فارس روبه‌رو کرد. دولت‌های جنوب خلیج فارس به نوبه خود دریافته بودند که آسیب‌پذیری، پراکندگی و توان محدود نظامی‌شان می‌تواند امنیتشان را تهدید کند.

هم کشورهای غربی و هم دولت‌های جنوب خلیج فارس دلایل متعددی برای وابستگی متقابلشان نسبت به یکدیگر داشتند. این موضوع، به ویژه درباره عربستان و آمریکا بیشتر صدق می‌کرد. بدین ترتیب، آمریکا

* Antony H. Cordesman, *The Gulf and The West: Strategic Relations and Military Realities*. America: Westview Press. 1988.p.309- 360.

** کارشناس ارشد زبان و دبیر آموزش و پرورش

به سرعت مداخله در خلیج فارس را در پیش گرفت؛ موضوعی که بیشتر به روابط نظامی این کشور با عربستان، بحرین و عمان بستگی داشت. عربستان و دولت‌های کوچک‌تر خلیج فارس، به نوبه خود دریافتند که حضور قدرتمند امریکا در خلیج فارس برای جلوگیری از تهدید فزاینده ایران ضروری است.

زمینه‌های مداخله غرب در خلیج فارس

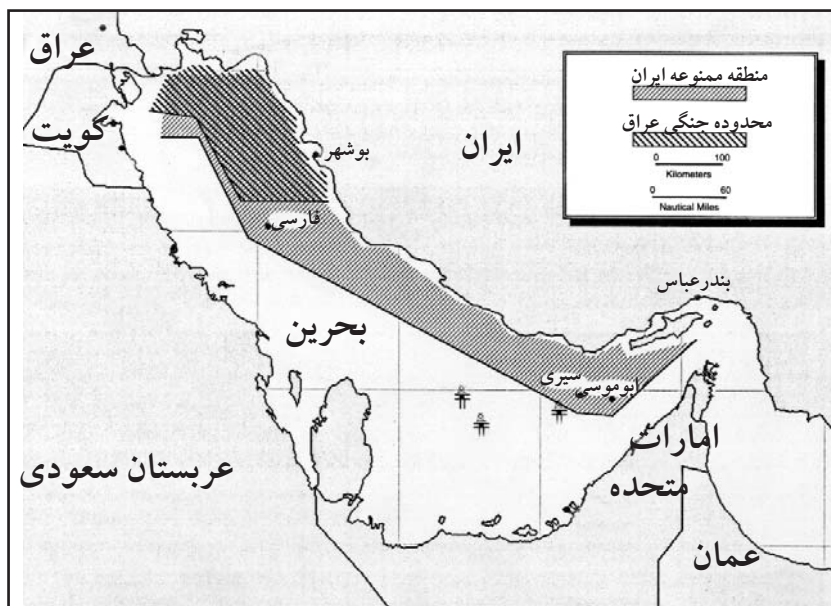
برای درک رویدادها، فهم دو تحول مهم که طی سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) و اوایل سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) روی داد، ضروری است. این دو تحول، تحویل پنهانی سلاح‌های آمریکایی به ایران و تأثیر تصرف شبه جزیره فاو از سوی نیروهای ایران بود. خبر تحویل پنهانی سلاح‌ها به بروز بحران در روابط واشنگتن با دولت‌های خلیج فارس منجر شد؛ اختلافی که امریکارا بر آن داشت تا به سرعت نفتکش‌های کویتی را در خلیج فارس مجدداً پرچم‌گذاری و اسکورت کند. تصرف فاو از سوی نیروهای ایران دوباره این کشور را به منزله تهدیدی واقعی هم برای عراق و هم برای کویت مطرح کرد و به آغاز و گسترش جنگ نفتکش‌ها و حملات فزاینده ایران به کشتیرانی بی‌طرف و دولت‌های جنوب خلیج فارس منجر شد.

تاریخچه تصمیم امریکا برای تبادل سلاح با گروگان‌ها، فرآیند پیچیده‌ای است که در آن، تلاش دولت

ریگان برای بهبود روابط امریکا با ایران به مبادله سلاح با گروگان‌ها انجامید و سپس، پول دریافت شده برای ضدانقلابیون نیکاراگوئه (کنترها) هزینه شد. در فرآیند مزبور، مدیریت این عملیات پنهانی از یک روند تصمیم‌گیری بین‌سازمانی در درون دولت امریکا که عمدتاً با فروش پنهانی سلاح مخالف بودند، به یک واحد کوچک و غیرمغرب متشکل از طرفداران سرسخت آن در کاخ سفید تغییر یافت. مبادلات تسلیحاتی در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) آغاز شد و تصمیمات دولت ریگان در این زمینه رسوایی بزرگی را در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) به بار آورد. طی یک سلسله مبادلات که هنوز کاملاً تشریح نشده است، تعدادی از مقامات اسرائیلی و مشاوران غیردولتی امریکا، مقامات برجسته و رئیس سازمان اطلاعات مرکزی این کشور را متقاعد کردند که امریکا می‌تواند پیوندهای سیاسی خود را با افراد میانه‌رو ایران بازسازی کند و گروگان‌های آمریکایی را که از سوی گروه‌های شیعه لبنانی طرفدار ایران به گروگان گرفته شده بودند، آزاد کند.

برخلاف احتیاط‌های جدی سیستم امنیت ملی امریکا، این کشور مجبور شد به دلیل عدم کارایی راه‌حل‌های نظامی در حل مشکل تروریسم و گروگانگیری با رژیم ایران ارتباط برقرار کند.

دستگیری، شکنجه و قتل ویلیام باکلی*، رئیس پایگاه سیا در بیروت، در ۱۶ مارس ۱۹۸۴ (۱۳۶۲/۱۲/۲۳) عامل اصلی این روند بود. برخی از اعضای ستاد شورای امنیت ملی**



* William Buckley ** National Security Council (NSC)

کنفدراسیون دولت‌های تروریست و نوع جدید بین‌المللی جنایت جمعی نام برد و ستاد شورای امنیت ملی نتیجه‌گیری کرد که امریکا اقدامات تنبیهی محدودی را می‌تواند اجرا کند.^۲ در مباحث مربوط به نقش اسرائیل، موضوع ایران دوباره مورد توجه دونالد ریگان، رئیس دفتر رئیس جمهور، قرار گرفت. موضوع طرز برخورد با ایران کم‌کم در سطح سیاسی بررسی شده و از حوزه سیاست خارجی جدا می‌شد.

در ۱۷ ژوئن سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۴/۳/۲۷)، مک فارلین طی یادداشتی با عنوان دستورالعمل تصمیم امنیت ملی*** به

معتقد بودند که مرگ وی یکی از دلایلی بود که نشان داد تلاش‌های ضدتروریستی دولت امریکا در مقابل گروه‌های لبنانی طرفدار ایران به نتیجه نرسیده است و امریکا نمی‌تواند شهروندان دربند خود را آزاد کند. آنها به این نتیجه رسیدند که تنها راه امریکا برای آزادی گروگان‌ها و به طور کلی، تقویت موقعیت خود در خلیج فارس، بهبود روابطش با ایران است.

در این بین، چند تن از مقامات ارشد سایر کشورها مدت‌ها امریکا را برای انجام این دیدارها ترغیب می‌کردند. در این راستا، در روز ۴ و ۵ ماه می ۱۹۸۵ (۱۳۶۴/۲/۱۴)،

ترکیب موشک‌های سی کیلر و کرم ابریشم باعث شد که توان ایران در حمله به نفتکش‌ها و کشتی‌های باری افزایش یابد و به جای آسیب رساندن به کشتی‌ها، آنها را غرق کند

جورج شولتز، وزیر خارجه و کاسپار واینبرگر، وزیر دفاع، گزینه فروش سلاح و اطلاعات را به آنها توصیه کرد.^۳ هر دو وزیر مباحث موجود در نوشته شورای امنیت ملی را رد کردند. جورج شولتز در ۲۹ ژوئن اعلام کرد که این پیشنهاد، با منافع امریکا مخالف و مغایر است و واینبرگر نیز در ۱۶ ژوئن گفت این نوشته مضحک‌تر از آن است که بتوان درباره‌اش صحبت کرد.^۴

در این مرحله، اهمیت معضل گروگان‌های امریکا به تدریج از مسائل استراتژیک فراتر رفته و با هر مورد گروگانگیری تقویت نیز می‌شد، به ویژه زمانی که سوریه در اواخر سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) امریکا را از شکنجه و قتل بر کلی آگاه کرد.

در این میان، چند تن از اسرائیلی‌ها، امریکا را به سوی مذاکره با ایران سوق می‌دادند. دیوید کیمخه**** وزیر امور خارجه اسرائیل، دست کم از اوایل پاییز سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۴)، امریکا را تشویق می‌کرد تا در مذاکره با ایران پیشقدم باشد. در ۳ جولای سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴/۴/۱۲)، وی از کاخ سفید دیدن کرد و از مک فارلین خواست تا مجدداً این پیشنهاد را مطرح کند. هم‌چنین، تاکید کرد که این درخواست بر اساس نظرات شیمون پراز است.

در ۱۳ جولای، فرستاده سری دیگر اسرائیل با مک فارلین ملاقات کرد. روز بعد، مک فارلین تلگرافی را برای شولتز فرستاد که در آن، از پیشگامی برای مذاکره با ایران حمایت شده بود؛ موضوعی که نشان دهنده حمایت امریکا

میخائیل لیدن* از مشاوران شورای امنیت ملی، طی دیدار از اسرائیل با شیمون پراز، نخست‌وزیر و اعضای برجسته سازمان اطلاعاتی این رژیم مذاکره کرد. هنوز مشخص نیست که آیا لیدن این اقدام را پس از مذاکره با مقامات ارشد امریکا انجام داد یا پس از ملاقات با مقامات اطلاعاتی اروپا. هم‌چنین، معلوم نیست که آیا او طبق درخواست رسمی رابرت مک فارلین، مشاور امنیت ملی، دست به این اقدام زد یا نه؟

در هر صورت، لیدن در اواسط ماه می سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴)، گزارش مشروحی را به مک فارلین ارائه داد و وی نیز در ۲۰ می سال ۱۹۸۵، از سازمان اطلاعاتی امریکا خواست یک برآورد اطلاعاتی ویژه ملی** را درباره ایران تهیه کنند. در گفته‌های لیدن، موارد دستوری به ندرت دیده می‌شد. جورج شولتز، وزیر خارجه امریکا، در ۵ ژوئن سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴/۳/۱۵) به طور رسمی به اقدامات لیدن اعتراض کرد. مک فارلین در پاسخ به این اعتراض در ۱۴ ژوئن گفت خود وی لیدن را از فروش سلاح منع کرده است. این در حالی بود که شورای امنیت ملی در صدد توسعه طرح‌هایی برای دیدار از ایران بود.

این تلاش‌ها با ربوده شدن هواپیمای خطوط هوایی TWA پرواز شماره ۸۴۷ از سوی گروه‌های طرفدار ایران در لبنان در ۱۴ ژوئن سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴/۳/۲۴) با سرعت بیشتری دنبال شد، به طوری که ریگان، رئیس جمهور امریکا، طی یک سخنرانی، از ایران به منزله بخشی از یک

* Michael Iedeem ** Special National Intelligence Estimate (SNIE)

*** National Security Decision Directive (NSDD) **** David Kimche

این که موضوع اصلی بحث، چگونگی مبادله سلاح با گروگان‌ها بود که رئیس سازمان سیا، ویلیام کیسی؛ ریگان، رئیس جمهور امریکا؛ و بوش، معاون رئیس جمهور؛ از آن حمایت و جورج شولتز، وزیر امور خارجه؛ و واینبرگر، وزیر دفاع، با آن مخالفت کردند.^۶

به نظر نمی‌رسید که این نشست نتیجه‌ای رسمی داشته باشد، اما نتیجه عملی آن این بود که اسرائیل احساس کرد اقتدار لازم را در شورای امنیت ملی امریکا به دست آورده است. بدین ترتیب، نخست، صد فروند موشک در ۳۰ اوت سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴/۶/۸) و بعد از آن در ۱۴ سپتامبر سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴/۶/۲۳)، چهارصد فروند دیگر به ایران تحویل داده شد.

هر چند بعد از دریافت این سلاح‌ها کشیش بنجامین ویر،^{***} یکی از گروگان‌های امریکایی، در ۱۴ سپتامبر آزاد شد، اما این اقدام در حد انتظار مسئولان کاخ سفید نبود، چرا که آنها انتظار داشتند که تعداد بیشتری از گروگان‌ها آزاد شوند. بدین ترتیب، در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵)، زمانی که امریکاییان مستقیماً با کشتی به ایران سلاح فرستادند، یکی دیگر از آنها آزاد شد و سایر گروگان‌ها برای اعمال فشار بر امریکا در دست گروگانگیران باقی ماندند؛ الگویی که هم‌چنان تا زمان آزادی کشیش لاورنس جنکو^{***} در ۲۶ جولای ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۶/۴) و دیوید جاکوبس^{*****} در ۲ نوامبر ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۸/۱۱) تکرار شد.

از هفت گروگان خود در لبنان بود. در پاسخ این تلگراف شولتز اعلام کرد که امریکا باید علاقه خود را بدون هیچ گونه حمایت رسمی نشان دهد؛ بنابراین، لازم است که مک فارلین در این زمینه، رأساً اقدام بکند.

با این که درباره تصدیق آنچه در آینده اتفاق افتاد، نظری وجود ندارد، اما مک فارلین در یکی از روزهای ۱۳ تا ۱۷ جولای با رئیس جمهور ریگان که به دلیل عمل جراحی در بیمارستان بستری شده بود، ملاقات کرد. مک فارلین نتیجه گفت‌وگوهای آن روز را موافقت رئیس جمهور با مذاکره با ایران عنوان نمود. وی در مذاکرات اولیه با ایران از دو نفر دلال اسلحه استفاده کرد که یکی از آنها فردی عربستانی به نام عدنان قاشقچی و دیگری فردی ایرانی به نام منوچهر قربانی فر بود که گفته می‌شد مشاور نخست وزیر است. هم‌چنین، لیدن به پیشنهاد دیوید کیمخه، یک دلال اسرائیلی اسلحه به نام ال شوپهر را به مک فارلین معرفی کرد.

لیدن در اواخر جولای در اسرائیل با کیمخه، قربانی فر، شوپهر و یعقوب نمرودیان - که فروشنده اسرائیلی اسلحه بود - ملاقات کرد.^۵ نتیجه این دیدار طرح فروش موشک‌های امریکایی ضدتانک تاو* و موشک‌های زمین به هوای هاوک* در مقابل گروگان‌ها بود که به ملاقاتی در ۶ اوت ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۵/۱۵) در کاخ سفید منجر شد. هر چند جزئیات این ملاقات معلوم نیست، اما آنچه روشن است



* Tow ** Hawk *** Benjamin Weir **** Lawrence Jenco ***** David Jacobsen

قطعات هاوک در نوامبر سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) به این کشور فرستاده شد. این پرواز را سرهنگ الیور نورث* در شورای امنیت ملی ترتیب داده بود. با وجود این، به نظر می‌رسد کل محموله این کشتی پس فرستاده شد؛ زیرا، رابط اسرائیلی، قطعات قدیمی تر را جایگزین قطعات جدید کرد و به جای موشک‌های هاوک پیشرفته، موشک‌های معمولی برای ایران فرستاد.^{۱۰}

با این حال، توجه ایران به مسئله دیگری معطوف بود. در اوایل سال ۱۹۸۶ (اواخر ۱۳۶۴)، ایران به طور گسترده‌ای

در این که محموله سلاح‌های ارسالی امریکا به ایران در موفقیت عملیات والفجر ۸ تأثیری داشته باشد، جای تردید جدی وجود دارد

نیروهای خود را در جبهه جنوب متمرکز کرد. این نیروها به دو بخش عمده تقسیم شدند. بدین ترتیب، بخش کوچک‌تر در شمال بصره روبه روی باتلاق‌های هویزه استقرار یافت و بخش بزرگ‌تر در قسمت جنوب روبه روی شبه جزیره فاو مستقر شد.

در ۹ فوریه سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۴/۱۷/۲۰)، ایران مرحله نخست عملیات سه مرحله‌ای والفجر ۸ را علیه سپاه سوم و هفتم عراق آغاز کرد. در این حمله، بیش از ۱۵۰/۰۰۰ نفر شرکت داشتند. نیروهای ایران در شمال عملیات با حرکت دو محور را برای عبور از مرداب آغاز کردند. البته، این عملیات دفع شد و معلوم نیست که آنها قصد انجام تلاش بیشتر را داشتند یا نه، اما وضعیت در جبهه جنوب متفاوت بود. در شب ۹ فوریه سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۴/۱۷/۲۰)، ایران تجهیزات آبی - خاکی زیادی را به نزدیک فاو، بندر نفتی متروکه عراق، انتقال داد.

نقل و انتقالات ایران در هر شش محور با موفقیت انجام شد. بدین ترتیب، لشکرهای ایرانی حرکت رو به جلو خود را در طول چهل مایل طول ساحل شبه جزیره فاو آغاز کردند. هم‌چنین، موفق شدند به سرعت در چند روز نخست، سرپل به دست آمده را تقویت کنند. سپس، ایران توانست تثبیت نیروهای خود را در فاو با مقاومت محدود و با تعقیب موفق نیروهای عراق تا ۱۰ فوریه ادامه دهد.

در این که محموله سلاح‌های پنهانی امریکا به ایران، پیش از انجام حمله در آن مؤثر بود، جای تردید جدی وجود دارد، اما لازم است توجه شود که در آن مرحله،

بعد از هر یک از این اقدامات، گروه‌های لبنانی، تنها یک سوم یا نصف تعداد گروگان‌های مورد نظر امریکا را آزاد کردند. در واقع، به نظر می‌رسد که گروه‌های مزبور برای گرفتن گروگان‌های جدید تشویق می‌شدند تا از این راه، خلأ ناشی از آزادسازی خنثی شود. هنگامی که موضوع ارسال پنهانی سلاح از سوی امریکا در اوایل نوامبر ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) افشا شد، گروه‌های لبنانی بیشتر گروگان‌های امریکایی را مانند زمان قبل از ارسال سلاح در اختیار داشتند.^۸

بدین ترتیب، مسئله گروگان‌ها باعث شد تا ریگان تصمیم بگیرد با ایرانیان تماس برقرار کند. این تماس‌ها از طریق قاشقچی و قربانی فر صورت گرفت. هم‌چنین، بنا به پیشنهاد دیوید کیمخه، لیدن، شوپهر، دلال اسرائیلی سلاح را به مک فارلین معرفی کرد.

باید یادآور شد فروش پنهانی اسلحه معامله بزرگی بود که اثرات عملیات استانیچ* را کاهش داد؛ عملیاتی که از سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲) برای محدود کردن ارسال سلاح به ایران آغاز شده بود. هم‌چنین، اقدامات امریکا دلیل خوبی برای ایران بود تا باور کند که سیاست این کشور نامعلوم و فرصت طلبانه است. در نتیجه، آن را وسیله‌ای برای دستیابی به دیگر ملزوماتش قرار دهد؛ همان‌گونه که آنها به تدریج متوجه شدند که ابزارهای کنترل امریکا ضعیف عمل می‌کنند. هر چند الگوی دقیق جریان ارسال سلاح نامعلوم می‌باشد، اما روشن است که اسرائیل پا از این هم فراتر گذاشته است. هم‌چنین، احتمالاً دیگر کشورهای غربی مانند یونان، اسپانیا و پرتغال نیز به ارسال سلاح با کشتی به ایران تمایل بیشتری یافتند.^۹

آغاز حمله ایران به فاو

این تا حدی مضحک است که دولت ریگان دقیقاً زمانی که قادر به ارسال سلاح‌های معامله شده با عربستان سعودی یا توسعه روابط نظامی‌اش با هر یک از دولت‌های دوست جنوب خلیج فارس نبود، در بسیاری از تماس‌ها با ایران متخاصم پیشقدم شد. همین‌طور مضحک به نظر می‌رسد که دولت ریگان زمانی که ایران فعالانه در پی تصرف عراق و تسلط بر خلیج فارس بود، می‌کوشید با میانه‌روهای ایران معامله کند.

در ادامه ارسال سلاح به ایران، یک فروند کشتی دیگر حامل موشک‌های هاوک و یک فروند هواپیما با محموله

*Operation Staunch ** Lt.Colonel Oliver North

جزیره فاو نیز فراتر خواهد رفت. یگان‌های ایران به آبراه خور عبدالله در مقابل کویت رسیدند و حتی گزارش‌هایی مبنی بر احاطه پایگاه دریایی ام‌القصر از سوی نیروهای ایرانی ارسال می‌شد. ایران هم چنین، مرکز اصلی کنترل و هشدار هوایی عراق را که منطقه خلیج فارس را تحت پوشش داشت و در شمال فاو واقع بود، نیز به تصرف خود در آورده بود.^{۱۳} اما بعد از ۱۷ و ۱۸ فوریه، عراق از نظر توان هوایی، آتش و زرهی به برتری چشمگیری در مقابل نیروهای ایران دست یافت. بدین ترتیب، در اوایل ماه مارس، نوعی الگوی جنگی در فاو برقرار شد که تا آخر سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵)، پایدار ماند. هر چند ایران حدود ۱۲۰ مایل مربع از خاک فاو را هم چنان در تصرف خود نگه داشت و خطوط تدارکاتی خود را در شط‌العرب حفظ کرد، اما نتوانست از فاو جلوتر برود یا پایگاه دریایی خود را گسترش دهد. با این حال، تصرف فاو موقعیت استراتژیک مهمی را به ایران بخشید. هر چند شبه جزیره فاو با مرداب‌ها و باتلاق‌ها احاطه شده بود و این منطقه تا بصره و جاده‌های اصلی بین عراق و کویت فاصله زیادی داشت، اما هنوز هم به دلیل تأثیر و نفوذش بر جنوب خلیج فارس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود؛ زیرا، از شط‌العرب تا جزیره بویان در کویت امتداد دارد. پیشروی موفقیت‌آمیز ایران برای این کشور سه نتیجه عمده داشت:

امریکا می‌کوشید حدود چهارهزار موشک ضد تانک تاو را در مقابل آزادی گروگان‌ها و داشتن روابط بهتر با ایران در اختیار این کشور قرار دهد؛^{۱۱} بنابراین، نخست، در تاریخ ۱۸ فوریه ۱۹۸۶ (۱۳۶۴/۱۷/۲۹)، پانصد فروند موشک تاو با کشتی به بندرعباس در ایران فرستاده شد. سپس، در ۲۷ فوریه سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۴/۱۲/۸) این کشور پانصد فروند موشک تاو دیگر و احتمالاً تعدادی موشک هاوک و قطعات هواپیماهای F-4 را در بندرعباس تحویل گرفت.

هرچند موشک‌های تاو ارزش بالقوه زیادی را برای نیروهای مهاجم غالباً پیاده نظام ایران به منظور نابودی تانک‌های عراقی داشتند و مواضع دفاعی نیروهای مزبور را تقویت می‌کردند، اما این مرسولات به علت آن که با تأخیر بسیار دریافت شدند. در نبرد فاو بی‌تأثیر بودند. افزون بر آن، هنوز امریکا به‌طور مؤثر ارسال موشک هاوک یا قطعات آن را آغاز نکرده بود. هرچند در منطقه سه پایگاه هاوک، نیروهای ایرانی را پوشش می‌داد، اما تنها یکی از آنها فعال بود. نکته دیگر آن که مرسولات جدید سلاح، آن‌طور که امریکا انتظار داشت به آزادی گروگان‌ها منجر نشد.^{۱۲}

به هر حال، عراق نتوانست از حمله ایران به فاو جلوگیری کند. بدین ترتیب، تا ۱۶ فوریه، ایران بیش از سیصد مایل مربع از شبه جزیره فاو را به تصرف خود در آورد، هرچند قسمت عمده این منطقه زمین‌های باتلاقی بودند. در اوج این پیروزی، ایران تهدید می‌کرد که از شبه



تاسیسات نفتی بود، به ایران آمدند. بقیه قطعات یدکی هاوک و پانصد فروند موشک تاو دیگر در اسرائیل باقی ماندند تا گروگان‌های امریکایی آزاد شوند.

انتظار می‌رفت که مقامات مزبور با [آیت‌الله] خامنه‌ای رئیس‌جمهور، موسوی نخست‌وزیر و هاشمی رفسنجانی، رئیس‌مجلس، ملاقات کنند، اما مک‌فارلین و دیگر اعضای گروهش از سفر خود به تهران به نتایج ناچیزی رسیدند. آنها چند روز در هتل هیلتون تهران منتظر ماندند و پیش از آن که

الف) عراق را کاملاً از خلیج فارس جدا می‌کرد؛

ب) به ایران امکان حمله به بصره از جنوب را می‌داد؛ و ج) قطع خطوط اصلی ارتباطی عراق و کویت یا حتی انجام حملات آبی - خاکی را به کویت برای ایران ممکن می‌کرد. هم چنین، باید توجه داشت که به ایران این امکان را می‌داد تا بر دولت‌های جنوب خلیج فارس فشار آورد و تدارکات نفتی غرب را تهدید کند.^{۱۴}

هرچند بیشتر کشتی‌های بزرگ جنگی ایران مشکلات اساسی در حفظ آمادگی جنگی خود داشتند، اما این کشور هنوز هم بزرگ‌ترین نیروی دریایی محلی خلیج فارس را داشت

از آنها خواسته شود تا ایران را ترک کنند، با مقامات سطح پایین ملاقات کردند.

هر چند هنوز هم، شرایط آن زمان نامعلوم است، اما رفسنجانی در ملاقات با امریکاییان با مشکل بزرگی روبه‌رو شده بود؛ زیرا، منتظری و مهدی هاشمی، یکی از مشاوران ارشد و رئیس دفتر وی از این ملاقات با خبر شدند و به شدت با آن مخالفت کردند. بعدها شایعاتی منتشر شد که گروه‌های تندرو درون حکومت ایران تهدید می‌کردند که امریکاییان را دستگیر می‌کنند، اما در پاییز آن سال، معلوم شد که مقامات دولت ایران درباره منطبق ملاقات‌های پنهانی به دو گروه متفاوت تقسیم شده‌اند، همان‌گونه که مقامات امریکایی نیز برای ضرورت دیدار با ایران نظرات متفاوتی داشتند.

اما رفسنجانی در ۱۰ ژوئن سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۳/۲۰) علیه پیشرفت روابط ایران و امریکا سخنرانی کرد و به دنبال آن، در ۲۶ جولای سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۵/۴)، یکی از گروگان‌ها به نام پدر جنکو **** آزاد شد. هر چند آزادی یک نفر بسیار کم‌تر از حد انتظار امریکا بود، اما در ۳ اوت، این کشور قطعات یدکی هاوک بیشتری را به ایران فرستاد و بعد از آن، ایران، امریکا را برای دادن موشک‌های هاوک بیشتر، رادارهای هاوک، بردهای الکترون هاوک ****، هزار فروند تاو دیگر و اطلاعاتی درباره عراق، تحت فشار قرار داد. در اواخر اوت، بعد از مذاکره برای برگرداندن جسد ویلیام باکلی به منظور تدفین، امریکا آماده ارسال پانصد فروند موشک تاو دیگر شد. بعد از تأخیرهای متعدد، در ۲۸ اکتبر، ارسال پانصد فروند تاو در ۲ نوامبر ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۸/۱۱)،

تداوم معاملات پنهانی اسلحه

ایران توقف حمله‌اش به فاو را با حمله به نفتکش‌ها در آب‌های عربستان و امارات متحده عربی جبران کرد و دولت‌های جنوب خلیج فارس را تحت فشار قرارداد تا روابط خود را با عراق و امریکا قطع کنند. ایران هم چنین، توانست مذاکرات خود را با فرانسه و اتحاد جماهیر شوروی گسترش دهد؛ چرا که این دو کشور تحت تأثیر پیروزی ایران در فاو قرار گرفته بودند. از سوی دیگر، ملاقات‌های پنهانی ایران با امریکا نیز هم‌چنان ادامه داشت. در این زمان، هاشمی رفسنجانی رئیس‌مجلس شورای اسلامی، به‌طور مستقیم مدیریت مذاکرات مزبور را بر عهده داشت. وی از وابسته‌ای با عنوان کانال دوم برای مذاکره با دولت امریکا استفاده می‌کرد.

به تدریج، تقاضاهای ایران به‌طور جاه‌طلبانه‌ای افزایش یافت، اما تقاضاهای ایران برای دریافت موشک‌های ضدکشتی هارپون، قطعات تعمیری رادارهای هاوک و دویست فروند موشک پیشرفته فونیکس* هوا به هوا برای هواپیماهای F-۱۴ ناموفق بود. با این حال، این کشور توانست موافقت امریکا را برای تأمین بیشتر موشک‌های تاو و قطعات هاوک - که به شدت مورد نیاز بود - جلب کند. در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵)، دو فروند هواپیمای بوئینگ ۷۰۷، قطعات هاوک و تاو را از تگزاس به تل‌آویو منتقل کردند. سپس، در ۲۸ می همین سال، مک‌فارلین و سرهنگ الیورنورث، جورج کیو** یکی از مقامات سیا و امیران نیر*** با هواپیمای حامل نخستین محموله قطعات موشک‌های هاوک، که مورد نیاز ایران برای دفاع از

* Phoenix ** George Cave *** Amiran Nir ****Jenco ***** Hawk Electron Tubes

موجب آزادی گروگان دیگری به نام پیتر جاکسون* شد.^{۱۵}

رسوایی جهانی امریکا

یکی از خطرات بسیار اصلی امریکا در فروش پنهانی سلاح افشای آن بود. یکی از گروه‌های داخل حاکمیت ایران با آگاهی از این که آشکار شدن معامله مزبور بلافاصله موجب شکستن پیوندهای ایران با امریکا می‌شود و این کشور را به طور جدی در جهان عرب گرفتار می‌کند، آن را در سطح جهانی افشا کرد این خطر در نوامبر سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) تحقق یافت، بدین صورت که یکی از اعضای دفتر منتظری،

**تصرف فاو موقعیت استراتژیک مهمی
به ایران بخشید، شبه جزیره فاو علی‌رغم
این که با مرداب‌ها و باتلاق‌ها
احاطه شده بود، اما به دلیل تأثیر و نفوذش بر
جنوب خلیج فارس از اهمیت ویژه‌ای
برخوردار بود**

جزئیات فروش پنهانی سلاح را در اختیار یک مجله طرفدار سوریه در لبنان به نام الشراع قرار داد.

این مجله دیدار مک فارلین از تهران در ۴ نوامبر ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۱۱/۱۳) و موضوعات مطرح شده در آن را منتشر کرد.^{۱۶} بعدها، حسن صبرا، سردبیر الشراع، اعلام کرد که منبع این خبر دفتر منتظری بوده است. هم‌چنین، انتشار این خبر نشان داد که این افشاگری با هدف به زیر کشیدن رفسنجانی و پایان دادن به معامله ایران با امریکا طراحی شده بود.^{۱۷}

رفسنجانی در ۵ نوامبر ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۱۱/۱۴)، در ۲۴ نوامبر و ۵ دسامبر ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۹/۱۴) به طور رسمی، این ماجرا را تأیید کرد.^{۱۸} چارچوب دیگر معاملات ایران و امریکا تا آخر هفته نخستین نوامبر بیش از پیش آشکار شد. افشاگری‌های مزبور یکی پس از دیگری این موضوع را که امریکا حداقل ۲۰۰۸ فروند موشک تاو و مجموعه قطعات ۲۳۵ فروند موشک هاوک را به ایران تحویل داده، است روشن کرد.^{۱۹} این افشاگری‌ها به ناچار پیگیری‌ها و بررسی‌های کنگره امریکا را به دنبال داشت و ماه‌ها مورد توجه مطبوعات بود. دولت ریگان خود را در تنگنایی می‌دید که تا اواخر تابستان سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) هم چنان ادامه داشت و از شدت آن کاسته نشد؛ موضوعی که روابط امریکا با جهان عرب را نیز

تهدید می‌کرد. دولت ریگان دیگر میانه‌روهای ایران را یاری نکرد و به جای آن، متعهد شد به تقویت جریان تندرو و جنگ خلیج فارس پایان دهد. با این حال، موضوع مزبور باعث شد که خاطره دیگری از بی‌کفایتی و عزم متزلزل امریکا به خاطره عقب‌نشینی این کشور از لبنان افزوده شود. البته، باید یادآور شد که علت شکست‌های دولت ریگان عدم کارایی سیستم طراحی امنیت ملی امریکا نبود، بلکه عدم اجازه کار به این سیستم و نادیده گرفتن دیدگاه‌ها و صلاحیت‌های آن از سوی دولت ریگان بود. وزیر کشور، وزیر دفاع، تمامی کارشناسان خبره منطقه در وزارت خارجه، وزارت دفاع و سرویس‌های اطلاعاتی امریکا تا حدی از فروش پنهانی اسلحه از سوی دولت ریگان به ایران اطلاع داشتند و درباره آن نیز هشدار داده بودند. اگر فقدان تدبیر و تبصر در کنگره امریکا به بروز بحران فروش اسلحه به عربستان سعودی در سال‌های ۱۹۸۵ - ۱۹۸۶ منجر شد، این بار، بی‌توجهی دولت ریگان نسبت به نظرات کارشناسان به رسوایی ایران - کنتررا انجامید.

حمله ایران به بصره

در اوایل سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۵)، برخورد ایران نسبت به جنگ کاملاً با ادعایش مطابقت داشت و این کشور در حال آماده شدن برای دو حمله جدید بود. حمله نخست مستقیماً علیه بصره با پشتیبانی نیروهایش در فاو و حمله دیگر با نیروهای عادی در منطقه شمال بغداد بین قصر شیرین و سومار انجام می‌شد. هر چند اهداف سیاسی و استراتژیک ایران در این حملات جدید نامعلوم است، اما امکان دارد اهداف زیر مدنظر بوده است:

- الف) تصرف بصره و ایجاد یک پایتخت طرفدار [امام] خمینی در جنوب؛
ب) نابودی ارتش عراق در جنوب و سرنگونی رژیم بعث؛
ج) تضعیف ارتش عراق از طریق کاهش توان نیرو؛ و
د) محاصره بصره و زهرچشم گرفتن از دولت‌های جنوب خلیج فارس.

صرف نظر از این احتمالات، نیروهای ایران در ژانویه سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۵) حملات وسیعی را علیه مواضع عراق در نزدیکی بصره آغاز کردند این حملات پیش از رسیدن ایران به مواضع دفاعی اصلی عراق شامل خاکریزها، سنگرهای زیرزمینی و انبارهای اسلحه، دستاوردهای چشم‌گیری را برداشت. نیروهای ایران آتش سنگین و تحرک لازم را

* Peter Jacobson

حمله نماید، موضوعی که توان بالقوه‌ای را برای عراق در حمله به صادرات نفت ایران و منابع اصلی درآمد آن فراهم آورد و این کشور بلافاصله آن را به مرحله اجرا گذاشت. همان‌گونه که جدول ۱ نیز نشان می‌دهد، عراق به سرعت، جنگ نفتکش‌ها را آغاز کرد و طی سال‌های ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) تا ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) حملات هوایی خود را به طور مداوم تا رسیدن به تمام اهداف دریایی نفتی و نفتکش‌های ایرانی در حوزه خلیج فارس گسترش داد. هر چند این کشور هرگز نتوانست صادرات نفت ایران را به میزان درخور توجهی قطع کند، اما آن را تهدید کرد و هزینه صادراتش را به میزان هنگفتی افزایش داد. در نتیجه، ایران مجبور شد بهای نفت خود را کاهش دهد. هم‌چنین، زمانی که ایران حملات زمینی موفقیت‌آمیز خود را علیه عراق در شبه جزیره فاو در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) و مواضع دفاعی این کشور در شرق بصره در ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) آغاز کرد، عراق نیز با حمله به تأسیسات صادرات نفت ایران در جزیره خارک، نفتکش‌های شاتل، که برای انتقال نفت به نفتکش‌های منتظر در آب‌های امن پایین تر خلیج فارس از آنها استفاده می‌شد و هم‌چنین، تأسیسات نفتی داخل و سواحل این کشور را بمباران کرد.

در پی این عملیات، شمار حملات عراق به کشتی‌های ایران از ۲۷ مورد در سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۴) و ۴۰ مورد در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۵) به ۶۵ مورد در سال ۱۹۸۶ افزایش یافت. حملات مزبور، ایران را برای متوقف کردن عملیات تهاجمی خود تحت فشار سنگینی قرار دادند و با برخی از

نداشتند. هم‌چنین، از نظم تدارکات و حمل مهمات کافی به خط مقدم با مشکل روبه‌رو بودند... با این وجود، جنگ تا بهار سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) به شدت ادامه یافت و باردیگر، خلیج فارس و غرب با خطر تسخیر جنوب عراق و تهدید کویت از سوی ایران روبه‌رو شدند.

اقدام ایران در بازسازی قدرت دریایی اش

ایران، تنها به حملات خاکی اکتفا نکرد. در واقع، می‌توان گفت طی سه سال آغاز جنگ ایران و عراق، نیروی دریایی نقش محدودی در روند جنگ داشت. در ماه‌های آغازین جنگ، ایران مسیر نیروی دریایی عراق را به خلیج فارس قطع کرد و امکان صدور نفت از پایانه‌های این کشور را در خلیج فارس از بین برد. تأسیسات نفتی هر دو طرف به حدی آسیب پذیر بودند که بعد از گذشت چند ماه از آغاز جنگ، هیچ یک از آنها بجز ضربات نمادین در طول نبردهای مهم زمینی، به تأسیسات صدور نفت حمله نکرد، اما با آغاز سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۲)، ماهیت جنگ دریایی نیز تغییر یافت. عراق در جنگ زمینی نیز، مجبور به عقب‌نشینی شده و حالت تدافعی به خود گرفته بود. به موازات توفیق شور انقلابی و تمایل شدید ایرانی‌ها نسبت به حملات استراتژیک، عراق به پایان جنگ در شرایط مطلوب چندان امید نداشت. در همان زمان، نیروی هوایی ایران به حدی متزلزل شده بود که نمی‌توانست به طور موثر، از فضای ایران و تأسیسات نفتی دفاع کند یا به خطوط لوله نفتی جدید عراق، که از ترکیه و عربستان سعودی عبور می‌کرد،

جدول شماره ۱- الگوی حملات ایران و عراق به کشتیرانی در خلیج فارس: از سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) تا پایان ژوئن ۱۹۸۷ (۱۳۶۶)

عنوان	حملات عراق	حملات ایران	مجموع حملات	کشته‌ها	کشتی‌های منهدم شده
۱۹۸۴	۳۶	۱۸	۵۴	۴۹	۲۲
۱۹۸۵	۳۳	۱۴	۴۷	۱۶	۱۶
۱۹۸۶ اکتبر	۱	۳	۴	-	-
نوامبر	۹	۲	۱۱	-	-
دسامبر	۵	۰	۵	-	-
مجموع ۱۹۸۶	۶۶	۴۱	۱۰۷	۸۸	۳۰
۱۹۸۷ ژانویه	۷	۶	۱۳	-	-
فوریه	۶	۳	۹	-	-
مارس	۳	۳	۶	-	-
آوریل	۲	۳	۵	-	-
از ژانویه تا ژوئن	۲۹	۲۹	۵۸	۱۰	۴

Source: Adapted From he Economist, April, 1987, p.34 and Lloyd's Marithme Infomation service.

کمک مالی و تدارکاتی را به عراق می کردند، مورد تهدید قرار می داد.

هرچند حملات علیه تردد کشتی ها به طور مستقیم به عراق آسیبی نرساند و ایران را وادار کرد، به کشتی های در حال حرکت در آب های بین المللی حمله کند، اما حملات مزبور این امید منطقی را در ایران به وجود آورد که کویت و عربستان، عراق را به توقف کمک های مالی خود به این کشور تهدید کنند. ایران هم چنین، امیدوار بود که این حملات کویت و عربستان را به کاهش سریع کمک هایشان و ترابری کالا از دریا به عراق وا دارد.

استراتژی مزبور هم چنین، موجب شد ایران توان دریایی جدیدی را پدید آورد. در واقع، نیروی دریایی عادی ایران ابزار کافی را برای اجرای این مأموریت در اختیار نداشت. همین طور بعید به نظر می رسید که یک نیروی دریایی با توجه به سیاست های بین المللی، آشکارا به کشتیرانی بین المللی حمله کند، با توجه به آن که ایران در گذشته نیز، حداقل با از دست دادن دو ناوچه کلاس سلمان و یک رزمناو ۳۰۱-۳۰۲ تلفات سنگینی را متحمل شده بود. این نیرو دو فروند مین روب و دو فروند شناورهای تهاجمی کلاس کمان را از دست داده و بیش از دو بار آسیب هایی جدی را متحمل شده بود و با مشکلات سختی در حفظ و نگهداری سامانه های تسلیحاتی و راداری خود و هم چنین، کمبود موشک های ضدکشتی و ضدهوایی

دستاوردهای سیاسی ایران، که از پیروزی های زمینی آشکار این کشور ناشی می شد، به مقابله برخاستند. به هر حال، ایران به زودی نشان داد که توانایی تلافی اقدامات مزبور را دارد. به طوری که تعداد حملات این کشور به خطوط کشتیرانی عراق، که در سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۳)، شانزده مورد و در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴)، سیزده مورد بود در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) به ۴۱ مورد افزایش یافت.

برای نمونه، در ژانویه سال ۱۹۸۷ استفاده عراق از جنگ نفتکش ها برای تلافی حملات ایران علیه بصره باعث شد دو کشور حملات بیشتری را علیه کشتیرانی یکدیگر انجام دهند که در ماه های پیشین دیده نمی شد. عراق جزیره خارک، تأسیسات انتقال نفت در جزیره سیری، نفتکش های شاتل و تأسیسات نفتی ایران را هدف حمله قرار داد. هرچند این اقدامات نتوانست جریان صادرات نفت ایران را قطع کند، اما این کشور را مجبور کرد تا افرادی را برای خرید پانزده فروند نفتکش به یونان، لندن و نروژ بفرستد.

به هر حال، ایران نمی خواست که عراق هم چنان به استفاده از قدرت هوایی خویش ادامه دهد. در نتیجه، با حمله به تأسیسات نفتی عراق یا با استفاده از پدافند هوایی از تأسیسات نفتی و نفتکش های خود دفاع می کرد، اما ایران شیوه جدیدی را در استفاده از نیروی دریایی پیدا کرد که همه خطوط کشتیرانی بین المللی در خلیج فارس، به ویژه کشتیرانی عربستان و کویت را که در این شرایط، بیشترین



در سال ۱۹۷۴ (۱۳۶۳) به بهانه این که کشتی های بیمارستانی هستند، به ایران تحویل داده بود. که در حال حاضر، حامل بالگردهای بل ۲۱۲-AB با موشک های، ۲۱-AS لند کرافت های کوچک، چراغ های دریایی تکان*** و تجهیزات مین ریزی بودند. سه فروند کشتی با بیش از ۶۷/۵ متر طول و ۲/۰۲۴ تن وزن در اختیار سازمان نیروی دریایی بود و از چهار فروند کرجی باری ساخت هلند با طول ۶۵۴ متر به عنوان کشتی باربری استفاده می شد. دو فروند نفتکش کوچک ساخت آلمان غربی با پنجاه هزار تن ظرفیت در بندرعباس و بوشهر مستقر بودند، در سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) برای حمل توپ های چهل میلیمتری و تجهیزات مربوط به نوعی بالگردهای تلسکوپی بازسازی شدند.

نیروی دریایی هنوز تعدادی هاورکرافت های BH-۱ و SRN-۶ و بیش از ۱۵۰ فروند شناور گشت دریایی عملیاتی

روبه رو بود. از سوی دیگر، بیشتر کشتی های بزرگ جنگی ایران مشکلات اساسی در حفظ آمادگی جنگی خود داشتند و بیشتر رادارها و سامانه های الکترونیکی مهم برای مدت طولانی عملیاتی نبودند. این مسئله شامل بیشتر تجهیزات جنگ دریایی، توپ های خودکشی دریایی SP۴۳۶ و پایه های ۳۷، ۵۱، ۶۱ و سیستم های کنترل آتش؛ رادارهای تاکتیکی و کنترل آتش؛ ۸۲-WM، رادارهای پلاسی AWS۱ و شناسایی؛ SPS-۶ و رادارهای مراقبت هوایی V۳ - SPS می شد. ذخیره بیشتر موشک های اصلی، مانند موشک های ضدکشتی استاندارد RIM-۶۶، موشک های ضدهوایی سی کت* و موشک های ضدکشتی هارپون، بسیار پایین بود. هم چنین، بیشتر موشک هایی که ایران در زمان شاه تحویل گرفته بود، اکنون، متجاوز از حداکثر عمر مفید خود در انبار مانده بودند و ذخیره موشک های هارپون ایران به هفت نوع موشک برای موشک های تهاجمی کلاس کمان

پیشروی موفقیت آمیز ایران در فاو برای این کشور سه نتیجه عمده داشت: الف) عراق را کاملاً از خلیج فارس جدا کرد؛ ب) به ایران امکان حمله به بصره از جنوب را داد؛ و ج) قطع خطوط اصلی ارتباطی عراق و کویت یا حتی انجام حملات آبی - خاکی را به کویت برای ایران ممکن کرد

را در اختیار داشت، هر چند بعدها، بسیاری از آنها به کار گرفته شدند، از بین رفتند یا به نیروی دریایی سپاه تحویل داده شدند. ایران کشتی بازسازی شده چلبهار و باراندازهای شناور با چهارصد یا سیصد تن ظرفیت و دولفن با ۲۸۰۰۰ تن ظرفیت را که در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) از آلمان غربی خریداری شده بود، نیز در اختیار داشت. لازم نبود نیروی دریایی عادی منظم ایران، تنها به درگیری های مستقیم دریایی متکی باشد. این نیرو از ذخایر گسترده مین، برخوردار بود که مین های امریکایی MK-۵۶ و AMD-۵۰۰ و AMAG-۱ شوروی، مین های ضدکشتی KRAB و مین های تلمسی پیشرفته ایتالیایی را شامل می شد که البته بیشتر آنها از رده خارج شده بودند. با وجود این، کره شمالی انواع قدیمی تر مین های ساخت شوروی را تولید می کرد.^{۳۳} در این مقطع، ایران تولید مین های غیرمغناطیسی، حساس به صدا، شناور و کنترل از راه دور را آغاز کرد. با این حال، برای این کشور، تنها یک کشتی مین جمع کن باقی مانده بود که آن هم در دریای خزر مستقر بود. در نتیجه، ایران با هر کشتی کوچکی از جمله کشتی تک دکلی و کشتی های کوچک باری، مین ریزی می کرد.

نیروی دریایی ایران هفت فروند بالگرد ۲۱۲-AB را که

محدود بود.^{۳۱} با این حال، ایران هنوز هم بزرگ ترین نیروی دریایی محلی خلیج فارس را داشت و کشتی های عملیاتی آن شامل ناوشکن دفاع هوایی آرتمز** ساخت انگلستان و ناوشکن های ببر و پلنگ ساخت امریکا با دفاع هوایی تغییر یافته و اصلاح شده FRAMIII بودند. با وجود این، معلوم نبود که تا چه حد عملیاتی هستند. ایران هم چنین، چهار فروند ناوچه ساخت انگلستان مجهز به موشک های ضدکشتی سی کیلر*** شامل سام، زم، رستم و فرامرز نیز در اختیار داشت. نیروی دریایی دست کم چهار فروند از هشت فروند قایق های گشتی کلاس ۲ را که عملیاتی بودند به توپ های ۷۶ و ۴۰ میلیمتری و موشک های هارپون مجهز کرده بود، هر چند تدارک این موشک ها به شدت محدود شده بود.^{۳۲} توان این کشتی ها که سرعتی در حد ۳۳/۷ گره دریایی و هفتصد تا دو هزار مایل برد داشتند، به سرعتشان وابسته بود. برای ایران یکی از مین روب های ۳۲۰ تنی، به نام شاهرخ، باقی مانده بود، که البته آن هم در دریای خزر استقرار داشت.

ایران چهار کشتی پشتیبانی هنگام، لارک، لاوان و تنب را نیز در اختیار داشت که دو کشتی لاوان و تنب را انگلستان

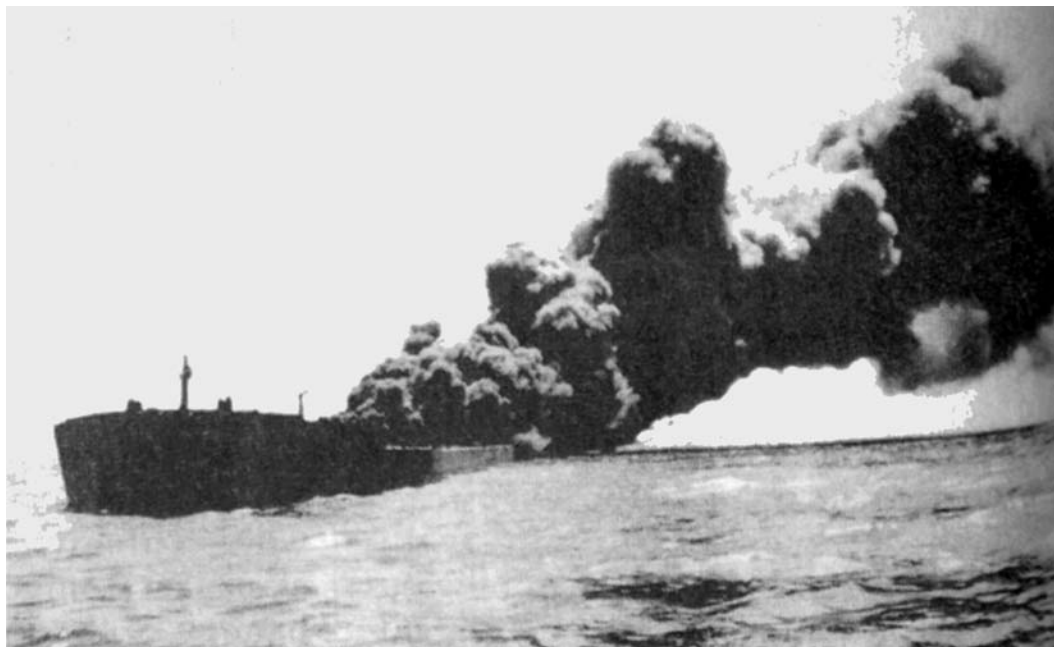
* Sea Cat ** Artemiz *** Sea Killer ***** TACAN

می شد که قدرت های مزبور در این جنگ مداخله کنند، آن گاه دیگر، هیچ گونه دفاع هوایی برای کشتی هایش باقی نمی ماند.

ایران برای حل این معضل، نیروی دریایی جدیدی را از سوی سپاه پاسداران تحت فرماندهی محسن رضایی ایجاد کرد. این نیرو که تشکیل آن حدود دو سال به طول انجامید، در اکتبر سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵)، عملیات خود را در خلیج فارس آغاز کرد. در آن زمان، این نیرو حدوداً بیست هزار نفر عضو داشت که از تعداد پرسنل نیروی دریایی ارتش بیشتر بود و به صدها شناور کوچک شامل حدود هشتاد قایق تندرو ساخت سوئد و قایق های کائوچویی زودپخ** مجهز شدند. قایق هایی که به سختی با رادار قابل مشاهده بودند و می توانستند راکت هایی با برد بلند، توپ های خودکار، سلاح های کوچک و توپ های ۱۰۷ میلیمتری را حمل کنند. هم چنین، مزیت سیاسی آنها این بود که انکار حملات صورت گرفته از طرف نیروهای سپاه پاسداران با این قایق ها از حمله با کشتی های نیروی دریایی ارتش به مراتب آسان تر بود.

۲۹ تا ۵۰ فروند از قایق های سوئدی ساخت شرکت بوهر،*** که حدود سیزده متر طول داشتند و در سال ۱۹۸۵ خریداری شده بودند، می توانستند شش نفر خدمه و بیش از هزار پوند سلاح را برای مسافتی حدود پانصد مایل دریایی حمل کنند، ۴۶ گره دریایی را طی و سرعت خود را

هر یک به دو موشک سی کیلر MKII یا AS-۲۱ مجهز می شدند، در اختیار داشت. این دو سیستم می توانستند در حمله ناگهانی علیه نفتکش ها یا کشتی های جنگی امریکا مورد استفاده قرار گیرند. ظرفیت هوایی نیروی دریایی ایران حداکثر دو یگان گشت هوایی - دریایی PF-۳ فاقد حسگرهای عملیاتی بود که تنها می توانند برای مأموریت شناسایی دیداری به کار روند، هفت فروند بالگرد سیکور اسکای SH-۳D*، دو فروند بالگرد مین ریز RH-۳۵D و دو فروند هواپیمای غول پیکر C-۱۳۰ و چهار فروند هواپیمای فوکر ۴۰۰ با علامت F-۱۲ بود که برای مین ریزی و مأموریت های گشتی از آنها استفاده می کرد. البته، اگر ایران راه حلی برای مشکلات سیاسی نظامی متعدد و مهم خود پیدا نمی کرد، این ترکیب نیروها نیز تا حد زیادی بی فایده بود. مهم ترین معضل سیاسی این بود که عراق همه اهداف خود را در جنگ نفتکش ها، با حمله به کشتی ها و اهداف نفتی که مشخصاً در منطقه ممنوعه جنگی بودند، پیوند زده بود، بدون این که خود را با کشتیرانی در آب های بین المللی درگیر کند، اما ایران مجبور بود به کشتی های موجود در آب های بین المللی حمله کند و به کشتی هایی که مبدأ و مقصد آنها دولت های غیر متخاصم بود، ضربه بزند. این کشور بدون نقض آشکار حقوق بین الملل و بدون مقابله با مداخله حتمی قدرت های غربی نمی توانست مستقیماً از نیروی دریایی عادی خود استفاده کند. اگر ایران موجب



* Sikorsky ** Zodiak *** Bohammer

فروند موشک چینی کرم ابریشم را آغاز کرد و پناهگاه‌های محکمی را برای پایگاه‌های راداری موشک‌ها احداث نمود.^{۲۷} در آغاز، این موشک‌ها در جزیره قشم و قلمرو خاکی ایران مستقر شدند. سپاه پاسداران هم‌چنین، نیروی دریایی خود را در جزیره فارسی، ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک با هزار نفر تقویت کرد، موقعیت خود را تحکیم بخشید و بالگردهایی را در این جزایر مستقر کرد. این جزایر آخری را شاه در سال ۱۹۷۱ (۱۳۴۹) از شارجه پس گرفته بود ابوموسی شصت مایل و تنب‌ها حدود چهل مایل با غرب تنگه هرمز فاصله دارند.^{۲۸} هم‌چنین، آنها استفاده از بیشتر سکوها نفتی و به همان ترتیب، پایگاه‌های نظامی را نیز

به بیش از ۶۹ گره دریایی برسانند. گزارش شده است که سپاه پاسداران دست کم چهل تا پنجاه فروند سفارش داده و حداقل، ۲۹ فروند از آنها را به کار گرفته بود.^{۲۴} سپاه پاسداران کشتی‌های دکلی را با کشنده تجهیز کرده بود. تشخیص قایق‌های مزبور از کشتی‌های کوچک تجاری حاضر در منطقه بسیار سخت بود و آنها می‌توانستند تا ۳۵۰ تن بار مین حمل کنند. هم‌چنین، سپاه پاسداران دست کم تعدادی لندکرافت شناور کوچک از نیروی دریایی ارتش و یک فروند زیردریایی کوچک به طول شش تا نه متر را از کره شمالی دریافت کرد. نیروی دریایی جدید سپاه به تدریج پایگاه‌هایی را در

عراق همه اهداف خود را در جنگ نفتکش‌ها، با حمله به کشتی‌ها و اهداف نفتی که مشخصاً در منطقه ممنوعه جنگی بودند، پیوند زده بود، اما ایران مجبور بود به کشتی‌های موجود در آب‌های بین‌المللی حمله کند

آغاز کردند. به طور قطع، رهبران ایران پی بردند که چنین نیروهایی توان پیروزی در نبرد مستقیم با نیروی دریایی امریکا و شوروی را ندارند، اما ترکیب نیروهای مزبور این امکان را به ایران می‌داد تا با استفاده از مین‌ها و قایق‌های تندرو به جنگ و گریز اقدام و در عین حال، توان استفاده از موشک‌های کرم ابریشم و حملات انتحاری با به کارگیری قایق‌ها و هواپیما را حفظ کند.

ایران در جنگیدن با طرف دریایی به شیوه جنگ چریکی، استفاده از هرگونه ضعف سیاسی در اراده امریکا یا نیروی دریایی سایر کشورها و هم‌چنین، در یک منازعه کم‌شدت طولانی یا غیرجدی، در موقعیت مناسب‌تری قرار داشت. توان ایران در مین‌گذاری و عملیات خرابکارانه به همان اندازه مهم بود و معامله مستقیم بر سر آن با این دولت بسیار مشکل به نظر می‌رسید و سپاه پاسداران به گونه‌ای عمل می‌کرد که معلوم نبود آیا این نیرو مستقل عمل می‌کند یا تحت کنترل دولت است.

آغاز استفاده از توان دریایی ایران

هر چند در اوایل دهه ۸۰، ایران از نیروی دریایی سپاه استفاده کرد، اما سابقه استفاده عمده از امکانات جدید دریایی به ژانویه ۱۹۸۷ (۱۳۶۵) بر می‌گردد؛ زمانی که با استفاده از موشک‌های کوچک تر، شبانه به کشتی‌های باری

سواحل تعدادی از جزایر، سکوها نفتی با تمرکز بر جزایر فارسی، سیری، هالو،* ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک و لارک تأسیس کرد.^{۲۵} آنها قایق‌های انتحاری را برای حمله به کشتی‌ها، آموزش دادند و مدعی در اختیار داشتن قایق‌هایی بودند که آنها را قادر می‌کرد تا با استفاده از آنها به سرعت بنادر مهم و خطوط کشتیرانی را مسدود کنند. آنها هم‌چنین، ذخایر عظیمی از تجهیزات غواصی و یک مرکز جنگ افزارهای دریایی را در بندرعباس به دست آوردند.

هم‌چنین، سپاه پاسداران توانایی لازم موشکی و هوایی را کسب کرد. آنها ۳۵ تا ۴۶ فروند هواپیمای کوچک آموزشی تهاجمی پیلاتوس PC-۷* را در اختیار داشتند که از سوئد خریداری کرده، شیوه به کارگیری آنها را از مربیان کره شمالی آموزش دیده بودند. آنها شایع کردند که از چین جنگنده‌های F-۶ و F-۷ دریافت می‌کنند و درصددند جنگنده‌های پیشرفته‌تر را از کشورهای بلوک شرق تحویل بگیرند. آنها هم‌چنین، تأسیساتی در دانشگاه دریایی نوشهر در دریای خزر داشتند؛ منطقه‌ای که برخی از پاسداران گزارش دادند آنها حملات انتحاری را با استفاده از هواپیماهای کوچک و به همان صورت قایق‌های کوچک در آن جا آموزش دیده‌اند.

این نیروها کنترل موشک‌های ضدکشتی جدید کرم‌ابریشم را نیز در اختیار داشت.^{۲۶} در اواخر سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵)، نیروی دریایی سپاه کار ایجاد سکوی ۳۵ تا ۵۰

* Halu ** Pilatus

و نفتکش‌ها در خلیج فارس حمله می‌کرد. مواردی از این حمله‌ها که تأیید شده‌اند، عبارت‌اند از: حمله به کشتی ورلد داون* در ۸ ژانویه، آتلانتیک دیگنیتی** در ۱۲ ژانویه، سعودی در ۱۴ ژانویه، ایزومری*** در ۲۳ ژانویه، آمبیا فورتونا**** در ۴ فوریه و سی امپرس***** و جیانگ***** در روزهای بعدی همان ماه.^{۲۹} در تمامی این موارد، موشک سی کیلر ساخت ایران به کارگرفته شد. دست‌کم، در یک مورد، معلوم شد که تلفات موشک سی کیلر نیز می‌تواند سنگین باشد، چرا که توانستند نفتکش ۹۹۸ تنی صدرا را از قسمت آسیب پذیرش هدف حمله قرار دهند و با به آتش کشیدنش جهنمی را بر پا کنند و دست‌کم، هفت تن از خدمه آن را بکشند.^{۳۰}

از میان کشتی‌های باری که طی این دوره هدف حمله ایران و عراق قرار گرفتند، تعداد اندکی آسیب جدی دیدند و غرق شدند. بین ۱ ژانویه تا اوایل فوریه، شانزده فروند کشتی خسارت دید. طبق آمار، تعداد حملات از آغاز جنگ تا آن زمان، ۲۸۴ مورد بود؛^{۳۱} بنابراین، شوروی و غرب اقدامات بازدارنده‌ای را آغاز کردند. در راستای این اقدامات، در اواسط ژانویه، شوروی یک ناوچه مجهز به موشک کلاس کریواک***** را برای اسکورت چهار فروند کشتی خود که از طریق تنگه هرمز و کویت به عراق سلاح حمل می‌کردند، به خلیج فارس فرستاد. این ناوچه دومین کشتی شوروی بود که از سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) به خلیج فارس وارد می‌شد. بعد از توقف دو فروند کشتی شوروی از سوی ایران نخستین کشتی این کشور در سپتامبر ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) به خلیج فارس وارد شد تا بدین ترتیب، به ایران، عراق و کشورهای جنوب خلیج فارس نشان داده شود که اتحاد جماهیر شوروی از کشتی‌های خود حمایت می‌کند.

اما آمریکا نیروهایش را در خلیج فارس، که شش فروند کشتی را شامل می‌شد، افزایش نداد و در عوض، قایق‌های گشت خود را به نقاط شمالی‌تر خلیج فارس فرستاد و نیروهایش را در اقیانوس هند به یک گروه کامل حمل موشک افزایش داد. این گروه یک کشتی ۸۵۰۰۰ تنی حامل موشک کیتی‌هاوک و یازده فروند کشتی اسکورت را شامل می‌شد. آمریکا هم‌چنین، ناو حامل نیروهای ویژه را به شرق مسیر در سواحل عمان اعزام کرد و هواپیماهای F-۱۱۱ و F برای انجام اقدام نامعلومی به ترکیه فرستاد. انگلستان و

فرانسه نیز فعالیت کشتی‌های خود را افزایش دادند، به طوری که اسکادران آر میلای***** انگلستان که در اقیانوس هند مستقر بود، تقریباً ۵۰٪ از وقت خود را در خلیج فارس سپری می‌کرد. در آن زمان، این اسکادران از ناوشکن پدافند هوایی ناتینگهام***** ناوچه آندرومد***** مجهز به سیستم دفاع ضد موشکی سی ولف***** و کشتی پشتیبانی اورنج لیف***** تشکیل شده بود.^{۳۲}

امریکا در پاسخ به استفاده زیاد ایران از موشک‌های سی کیلر، گروه ناوی خود را به خلیج فارس و دریای عمان

هر چند در جنگ نفتکش‌ها، عراق هرگز نتوانست صادرات نفت ایران را به میزان درخور توجهی کاهش دهد، اما آن را تهدید کرد و هزینه صادراتش را به میزان هنگفتی افزایش داد

وارد کرد و در ادامه، مطلع شد که این کشور موشک‌های کرم ابریشم زمین پایه ضدکشتی سنگین تری را نزدیک تنگه هرمز مستقر و در اواخر فوریه، یکی از آنها را به صورت آزمایشی از پایگاه موشکی خود در جزیره قشم پرتاب کرده است.^{۳۳}

هر چند با توجه به استانداردهای غرب، تلفیق توان موشک‌های ضدکشتی ایران قدرت تهاجمی این کشور را چندان افزایش نمی‌داد، اما ترکیب موشک‌های سی کیلر و کرم ابریشم باعث شد که توان ایران در حمله به نفتکش‌ها و کشتی‌های باری افزایش یابد و به جای آسیب رساندن به کشتی‌ها، آنها را غرق کند، و حتی تا حد بسیار کمی تنگه هرمز را ببندد. هم‌چنین، ایران باز هم قایق‌های موتوری آلومینیومی کوچکی را خریداری کرد که در تابستان سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵)، از آنها برای مین‌گذاری در آب‌های ام‌القصر استفاده کرده بود. این کشور قایق‌های مزبور را برای کاشت مین‌های ساحلی در آب‌هایی به عمق شصت فوت به کار می‌گرفت و مین‌های شناوری را کار می‌گذاشت که کم‌ترین خطرشان تهدید تردد کشتی‌ها و قایق‌ها در خلیج فارس بود.^{۳۴}

بین‌المللی شدن روز افزون جنگ نفتکش‌ها

از نظر غرب، افزایش تهدید کشتیرانی در خلیج فارس از

* World Dawn ** Atlantic Dignity *** Isomeri **** Ambia Fortuna ***** Sea Empress
***** Wu jinng ***** Krivak ***** Armilla Squadron ***** Nottingham
***** Andromeda ***** Sea Wolf ***** Orangeleaf

عرضه نفت به غرب بود. در واقع، امریکا این مشکل را پیش رو داشت که حتی در یک دوره اشیاع نفتی، منطقه خلیج فارس خریدار هفت میلیارد دلار از کالاهای امریکا بود، ۶۳٪ از ذخایر نفتی آزاد جهان، بیش از ۲۵٪ از کل نفت معامله شده در جهان و ۳۰٪ از نفت مورد استفاده کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی* و ۶۰٪ از نفت ژاپن را تأمین می کرد. حتی با وجود گسترش خطوط لوله نفت از طریق ترکیه و عربستان، ۱۷٪ از نفت مورد نیاز غرب از تنگه هرمز می گذشت.^{۳۵} (ر.ک. به: جدول شماره ۲)

مسئله تهدید کویت از سوی ایران اهمیت ویژه ای

سوی ایران از حمله عراق به نفتکشها در آبهای این کشور (ایران) بسیار مهم تر بود. ایران خود را برای حمله به کشتیها در آبهای عراق آماده نمی کرد؛ زیرا، با گذشت چند هفته از آغاز جنگ، هیچ گونه ترددی در این آبها صورت نگرفته و تمام بنادر عراق بسته شده بودند؛ بنابراین، ایران خود را برای حمله به کشتیهای کشورهای ثالث، که از آبهای بین المللی به سوی بنادر مناطق جنگی حرکت می کردند، مسلح نمود؛ اقدامی که به معنای تهدید کشتیهای بین المللی عازم کشورهای جنوب خلیج فارس بود. این موضوع هم چنین نشان می داد که الگوی سال

جدول شماره ۲ - وابستگی غرب به نفت خلیج فارس در ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) و اوایل ۱۹۸۷ (۱۳۶۶)**

عنوان	امریکا	ژاپن	آلمان	فرانسه	ایتالیا	انگلستان***
مجموع مصرف نفت در ۱۹۸۶ (میلیون بشکه در روز)	۱۶/۱	۴/۳	۲/۵	۱/۹	۱/۷	۱/۶
مجموع نفت وارداتی در ۱۹۸۶ (میلیون بشکه در روز)	۵/۳	۴/۴	۲/۳	۱/۷	۱/۷	-
درصد	۳۳	۱۰۰	۹۲	۹۰	۱۰۰	-
مجموع نفت وارداتی از خلیج فارس در ۱۹۸۶ از طریق لوله یا نفتکشها (میلیون بشکه در روز)	۱/۹	۲/۶	۱/۲	۱/۶	۱/۸	۱/۲
درصد	۶	۶۱	۸	۳۲	۴۷	۱۳
درصد مجموع مصرف نفت منتقل شده از تنگه هرمز در فصل اول سال ۱۹۸۷	۴	۴۸				۱۱٪ برای کل کشورهای اروپای غربی

داشت؛ زیرا، ذخایر نفتی ثبت شده کویت تقریباً به اندازه مجموع ذخایر نفتی ایران و عراق بود و این کشور کویت بیش از صد میلیارد بشکه ذخیره نفتی یا ۱۳٪ از ذخایر ثبت شده جهان (حدوداً ۳/۹٪ در امریکا) را در اختیار داشت. هم چنین، در کشورهای ماورای بحار بیش از صد میلیارد دلار سرمایه گذاری کرده بود (۸۰٪ دولتی و ۲۰٪ خصوصی) که سهم امریکا از آن حدود ۴۰٪ بود؛ بنابراین، این کشور نمی توانست خطرهای موجود در سناریوی تسلط مستقیم ایران بر کویت و متمایل شدن کویت و عربستان سعودی را به ایران در صورت عدم برخورداری از حمایت امریکا نادیده بگیرد.

بدین ترتیب، تعجب آور نیست که دولت ریگان هر روز موارد بیشتری از درخواستهای کویت را مبنی بر حمایت و پرچم گذاری مجدد نفتکشهایش، که برای حمل نفت به نقاط بارگیری خارج از خلیج فارس مورد

۱۹۸۶ (۱۳۶۵) جنگ نفتکشها، در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) نیز تکرار می شود. تعداد حملات عراق به کشتیها در خلیج فارس از سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) بسیار بیشتر بود. در نتیجه، تناوب حملات ایران دو برابر شده بود. این امر باعث شد که دخالت فعال امریکا در خلیج فارس تسریع شود، اما امریکا فقط یکی از عوامل درگیر در این جنگ بود. از سوی دیگر، ماجرایی فروش پنهانی سلاح به ایران از سوی کنگره امریکا کاملاً برملا گردید. در نتیجه، دولت ریگان مجبور شد با واکنش سیاسی شدید ناشی از آن مقابله و برای حفظ روابط دوستانه با دولت های عرب منطقه اعتبار سیاسی و نظامی خود را احیا کند. هم چنین، با پیشروی ایران در منطقه فاو، خطر حمله این کشور به جنوب عراق و حتی به کویت وجود داشت.

به هر حال، مسئله اصلی پیش روی طراحان امریکایی، نه شدت جنگ نفتکشها، بلکه خطرات مؤثر بر امنیت

** OECD Source: U.S. Energy Information Agency, June 1987.

*** انگلستان با توجه به نفت دریای شمال یک صادر کننده است.

تعداد کل آن به هفتاد تا هشتاد نفتکش در ماه می رسید. از زمان آغاز جنگ نفتکش ها تا اوایل سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶)، از میان حدود ۲۸۴ حمله به کشتی ها، تنها هفت فروند کشتی با پرچم کویت هدف حمله قرار گرفته بود. از میان ۳۴ شناوری، که از روز کریسمس سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۳) تا ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۶/۲۶) هدف حمله ایران قرار گرفتند، هیچ کشتی با پرچم کویت هدف حمله واقع نشد. در روز ۱۷ سپتامبر سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵)، به نفتکش ۲۹۰۰۸۵ تتی الفونتاس** حمله شد و نفتکش ۲۶۳۶۷۹ تتی الفیبه*** آخرین نفتکش کویتی بود که در ۲۲ اکتبر هدف حمله قرار گرفت.^{۳۸}

این حملات برای دو برابر کردن حق بیمه نفتکش ها به مقصد کویت کافی بود، اما با وجود این، نرخ حق بیمه هنوز هم تنها ۵/۵ درصد از بهای نفتکش هایی بود که به مقصد کویت حرکت می کردند و برای دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس حدود ۲/۵ درصد بود.^{۳۹}

با وجود این، کویت نمی توانست تأثیرات استراتژیک گسترده دستیابی ایران به فاو و بصره، تأسیس عنصر نیروی دریایی سپاه و این واقعیت را که کویت در معرض حملات سیاسی مداوم ایران به دلیل استفاده عراق از بندر الشعیبه این کشور برای ورود سلاح های ساخت شوروی و سایر تجهیزات جنگی قرار داشت، نادیده بگیرد. خطر حمله ایران به کشتی های کویتی و دیگر کشتی هایی که به مقصد این کشور حرکت می کردند، افزایش یافته بود؛ زیرا، کویت به هوایماهای عراقی اجازه داده بود تا از فضای کویت برای رسیدن به سواحل جنوبی خلیج فارس و حمله به کشتی های ایران استفاده کند. هم چنین، به نظر می رسید که کویت به کشتی های کوچک نیروی دریایی عراق اجازه

استفاده قرار می گرفتند، می پذیرفت. به نظر می رسد که در گفت وگوهای غیررسمی کویت با امریکا در سپتامبر ۱۹۸۶ (۱۳۶۵)، این کشور به طور آشکار نگرانی خود را درباره آسیب پذیری کشتیرانی اش مطرح کرده است. بعد از نشست شورای همکاری خلیج فارس در ۱ نوامبر ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۱۱/۱۰)، کویت مجدداً ایده پرچم گذاری را طرح کرد. بدین ترتیب، در ۱۰ دسامبر، شرکت کشتیرانی نفت کویت* گارد ساحلی امریکا را برای کسب اطلاعات پرچم گذاری به خدمت گرفت و ایده جلب حمایت پرچم امریکا را در ۲۲ دسامبر ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۱۰/۱) با سفارت این کشور در کویت مطرح کرد.^{۳۷}

در ۱۳ ژانویه ۱۹۸۷ (۱۳۶۵/۱۰/۲۳)، کویت از سفارت امریکا خواست تا مجدداً نفتکش هایش را پرچم گذاری کند. این کشور هم چنین، خواستار حمایت نیروی دریایی امریکا شد و به واشنگتن اطلاع داد که این تقاضا را از شوروی نیز داشته است. کویت آشکارا گفت که مذاکراتش با مسکو را در نوامبر ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) بلافاصله بعد از نخستین مذاکره اش با امریکا آغاز کرده است.

هدف کویت در دعوت از امریکا، دستیابی به یک حمایت خارجی در برابر اشکال مختلف تهدید و حمله از سوی ایران، به ویژه، حمله به کشتی های حامل پرچم کویت بود. هر چند جنگ نفتکش ها جدی بود و بعد از ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۶/۲۴)، پانزده تا نوزده مورد حمله علیه کشتی هایی که به مقصد کویت حرکت می کردند، در خلیج فارس صورت گرفته بود، اما تنها بخش کوچکی از ۱۹۶-۱۶۸ نفتکش را که در هر ماه از خلیج عبور می کردند، تحت تأثیر قرار می داد. شمار نفتکش های در حال تردد به مقصد کویت دست کم، یک فروند نفتکش در روز بود و



* KOTC ** Al Funtas *** Al Faiha

البته، باید توجه کرد که گروه طراح امنیت ملی با اتخاذ این تصمیم یکی از اشتباهات بزرگ رسوایی ایران - کنترارا تکرار کرد، یعنی اجازه نداد که طرح اسکورت نفتکش های کویتی روند سازمانی متداول در دولت را طی کند. در واقع، رئیس ستاد مشترک، وزیر نیروی دریایی، بسیاری از کارشناسان جامعه اطلاعاتی امریکا و مقامات عالی رتبه دولت ریگان که در امور خلیج فارس تخصص داشتند، در جریان جزئیات امور قرار نگرفتند.^{۴۲} هم چنین، هیچ گونه

هدف کویت در دعوت از امریکا برای اسکورت نفتکش هایش در خلیج فارس، دستیابی به یک حمایت خارجی در برابر اشکال مختلف تهدید و حمله از سوی ایران، به ویژه حمله به کشتی های حامل پرچم کویت بود

اقدامی در زمینه تهیه یک دستورالعمل رسمی برای تصمیم امنیت ملی^{****} انجام نشد. در واقع، آخرین دستورالعمل تصمیم امنیت ملی در زمینه خلیج فارس به چند سال پیش از آن مربوط بود. در نتیجه، گروه طراح امنیت ملی بدون بررسی خطرات نظامی و سیاسی پیش رو و بدون داشتن تصویر روشنی از میزان تدارکات نظامی مورد نیاز برای اسکورت نفتکش ها نسبت به این اقدام تصمیم گیری کرد.^{۴۳}

هم چنین، امریکا در این زمینه، اشتباه رایج در جنگ های سطح پایین را تکرار کرد، یعنی تنها به پیروزی بالقوه توجه نمود و دامنه وسعت خطرات را دست کم گرفت؛ بنابراین، وزارت دفاع امریکا برنامه حمله به موشک های کرم ابریشم ایران را ارائه داد، بدون آن که نیرویی را برای مقابله با خطرات احتمالی پیش روی عملیات اسکورت که گستره آن از دریای عمان تا بنادر کویت بود آماده کرده باشد. در واقع، بعدها معلوم شد، این تهدیدات بسیار جدی بوده اند. هم چنین، گروه طراح امنیت ملی در بررسی خطر، آزمون نظامی اراده و عزم ایرانیان و تصاعد عملیات نظامی، ناموفق عمل کرد. پیش بینی حوادثی که به وقوع پیوست بسیار کم یا حتی هیچ بود. در نتیجه، امریکا در یک رویارویی طولانی با عزم و اراده ایران در وضعیت جنگی طولانی قرار گرفت.

از آن جا که دولت ریگان خطرات پیش رو را دست کم گرفت، دیگر به این موضوع نیندیشید که اگر اقدام به پرچم گذاری به یک جنگ تمام عیار تبدیل شود، واکنش

دازه بود از آبراه سبیه،* که میان کویت و جزیره بوییان واقع شده بود، عبور کند. هم چنین، بالگردهای عراقی اجازه داشتند، از قلمرو هوایی کویت استفاده کنند.^{۴۰}

در مجموع، دولت ریگان و کویت احساس می کردند که دلایل خوبی برای مطرح کردن گزینه پرچم گذاری مجدد نفتکش های کویتی دارند البته، باید یادآور شد که امریکا برای این اقدام تمایل بیشتری داشت، هر چند این تمایل نه به دلیل پیشرفت نظامی در خلیج فارس، بلکه برای کاهش واکنش های شدید موجود نسبت به فروش اسلحه به ایران بود. کاخ سفید از گروه طراح امنیت ملی^{**} درخواست کرد تا برای امریکا مشخص کنند که چگونه موقعیت خود را در خلیج فارس حفظ کند. باید یادآور شد که مدیر رسمی این گروه رئیس جمهور بود و دیگر اعضای آن عبارت بودند از: وزیران و این برگر^{***} و شولتز^{****}، فرانک کارلوچی^{*****} مشاور امنیت ملی و نماینده ای از فرماندهی ستاد مشترک.

گروه طراح امنیت ملی به این نتیجه رسید که امریکا باید با انجام یک سلسله اقدامات مهم و جدید مجدداً موقعیت خود را در خلیج فارس احیا کند، نفوذ روبه رشد شوروی و خطر پیروزی احتمالی ایران را کاهش دهد.^{۴۱} این گروه به امریکا توصیه کرد که از طرح پرچم گذاری نفتکش ها حمایت کند، از فروش اسلحه به ایران جلوگیری و با کمک اعضای مهم شورای امنیت سازمان ملل مذاکرات اولیه صلحی را پیشنهاد کند تا طی آن، موضوع منع فروش اسلحه را مطرح نماید.

سه عامل باعث شد که گروه طراح امنیت ملی انگیزه پرچم گذاری مجدد نفتکش های کویتی را در دولت امریکا تقویت کند، نخستین عامل این بود که امریکا دریافت که شوروی پیشنهاد پرچم گذاری مجدد را پذیرفته و کویت پیشنهاد کرده است که امریکا و شوروی به صورت مشترک از یازده فروند نفتکش متعلق به این کشور حمایت کنند، یعنی شش فروند تحت حمایت شوروی و پنج فروند تحت حمایت امریکا باشد. عامل دوم و عامل سوم این بود که گروه طراح امنیت ملی به این نتیجه رسیده بود که ایران از آغاز جنگ به کشتی های حامل پرچم قدرت های بزرگ حمله نکرده است و احتمالاً از این به بعد نیز، حمله نخواهد کرد. هم چنین، نیروی دریایی و هوایی این کشور نیز توان لازم برای مقابله با نیروی دریایی امریکا را ندارد؛ بنابراین، این گروه در طرح خود از دولت امریکا خواست که اسکورت هر یازده فروند نفتکش را بپذیرد.

* Sebiyeh ** NSPG *** Weinberger **** Shultz ***** Frank C. Carlucci ***** NSDD

کشتی‌های مجدداً پرچم‌گذاری شده کویتی از سوی نیروی دریایی آمریکا در سطح اجرایی بالاتری ارائه کرد؛ پیشنهاد نا به هنگامی که بدون مشورت کامل با کویت ارائه شد. هدف آمریکا از این تبلیغات تا حدی اعمال بازدارندگی بر ایران و حمایت از کشتیرانی در خلیج فارس بود. هم‌چنین، دولت ریگان می‌کوشید تا از این طریق، اعتبار سیاسی خود را که در اثر فروش مخفیانه سلاح به ایران مخدوش شده بود، باز یابد. این اقدامات تبلیغاتی بهترین گزینه انتخابی را برای کویت فراهم آورد. آشکار بود که این کشور به حمایت آمریکا در برابر ایران نیاز داشت. تا آن زمان، ایران نشان داده بود که می‌تواند هم با نیروی نظامی و هم با اقدامات تروریستی به کویت ضربه وارد آورد. در اوایل جنگ، این کشور دست‌کم، دوبار به کویت حمله هوایی کرده بود، در سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲)، از بمب‌گذاری در سفارت‌خانه‌های فرانسه و آمریکا در کویت و در سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) از ربه‌شدن یک فروند هواپیمای خطوط هوایی کویت به تهران حمایت کرد. هم‌چنین، در می‌سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴)، در اقدام

کنگره چه خواهد بود. هم‌چنین، خطرات بسیار زیاد نهفته در تهدید روزافزون دولت‌های جنوب خلیج فارس از سوی ایران را نیز نادیده گرفت. به اعتقاد این کشور، خطر شوروی، فقط می‌توانست این باشد که در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس*، نفوذ کند. در واقع، آمریکا از این نکته غافل بود که شاید شوروی ایران را به گسترش روابط خود با این کشور وادارد یا عراق از موضوع پرچم‌گذاری نفتکش‌ها برای ایجاد تخاصم بین ایران و آمریکا بهره‌برداری کند. آمریکا هم‌چنین، به دلیل تمایل به اثبات رهبری و جلوداری خود و نیز این نکته که به دولت‌های منطقه خلیج فارس نشان دهد که حضور نظامی‌اش اهمیت بسیار زیادی دارد، اروپای غربی را کاملاً فراموش کرد.

در نهایت، دولت ریگان نامشخص بودن موضع سیاسی کویت را نادیده گرفت. برخلاف آمریکا، که درخواست کویت را به سرعت پذیرفت، کویت پیشنهاد آمریکا را بلافاصله قبول نکرد و به چند دلیل پذیرش این

ایران در جنگیدن با طرف دریایی به شیوه جنگ چریکی و هم‌چنین، در یک منازعه کم‌شدت طولانی یا غیرجدی، در موقعیت مناسب تری قرار داشت

برای ترور امیر کویت همکاری داشت. به نظر می‌رسد ایران از شیعیان کویت که در ژوئن سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۴) قصد داشتند بزرگ‌ترین پالایشگاه کویت را به آتش بکشند، نیز حمایت کرد. البته، باید یادآور شد که گروه‌های مشابهی خودرو بمب‌گذاری شده‌ای را به سوی پایانه اصلی بارگیری نفت کویت هدایت کردند که در اثر انفجار آن، خسارات زیادی به پایانه نفتی وارد شد.

با وجود این، کویت مجبور بود با این واقعیت نیز برخورد کند که عراق هنوز نسبت به اهداف آمریکا در خلیج فارس بسیار بدبین بود و رهبران عالی‌رتبه این کشور مانند طارق عزیز آشکارا اعلام می‌کردند که به نظر آنها، این کمک آمریکا برای بهره‌برداری از جنگ و افزایش نفوذش در خلیج فارس است. هم‌چنین، کویت هنوز به یاد داشت که آمریکا در سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۴) نتوانسته بود سلاح‌های درخواستی کویت را برای گسترش دفاع هوایی‌اش تأمین کند و به نظر بسیاری از اعضای خانواده سلطنتی کویت، شوروی در معاملات خود بسیار مطمئن‌تر از آمریکا عمل می‌کرد.^{۲۴}

پیشنهاد را به تعویق انداخت. احتمالاً این کشور قصد داشت حمایت آمریکا را با کم‌ترین نمایش سیاسی به دست آورد یا آن که کاری کند که این حمایت بر اصول بین‌المللی مبتنی باشد. هنگامی که آمریکا اعلام کرد عملیات مشترک اسکورت نفتکش‌ها را با شوروی نمی‌پذیرد، کویت نیز اعلام کرد که در آن صورت، پیشنهاد آمریکا را رد خواهد کرد.

این مطالب روشن می‌کند که چرا کویت پیشنهاد پرچم‌گذاری مجدد نفتکش‌ها را از سوی آمریکا بلافاصله و با کمال میل نپذیرفت و در ۲۹ ژانویه، دولت ریگان به کویت اعلام کرد که اجازه داده است تا دوباره نفتکش‌های کویت را پرچم‌گذاری کند. در ۲۳ ژانویه ۱۹۸۷ (۱۳۶۵/۱۷۳)، ریگان اظهار کرد که آمریکا از نیروی مسلح خود برای تأمین امنیت عبور و مرور کشتی‌های باری در خلیج فارس استفاده خواهد کرد و در ۶ فوریه، به کویت اعلام کرد که پرچم‌گذاری مجدد باید با حمایت نیروی دریایی آمریکا همراه باشد. در ۲۵ فوریه نیز، ریگان مجدداً تضمین کرد که آمریکا از تداوم جریان نفت حمایت خواهد کرد.

سپس، دولت آمریکا پیشنهادش را برای اسکورت

* GCC

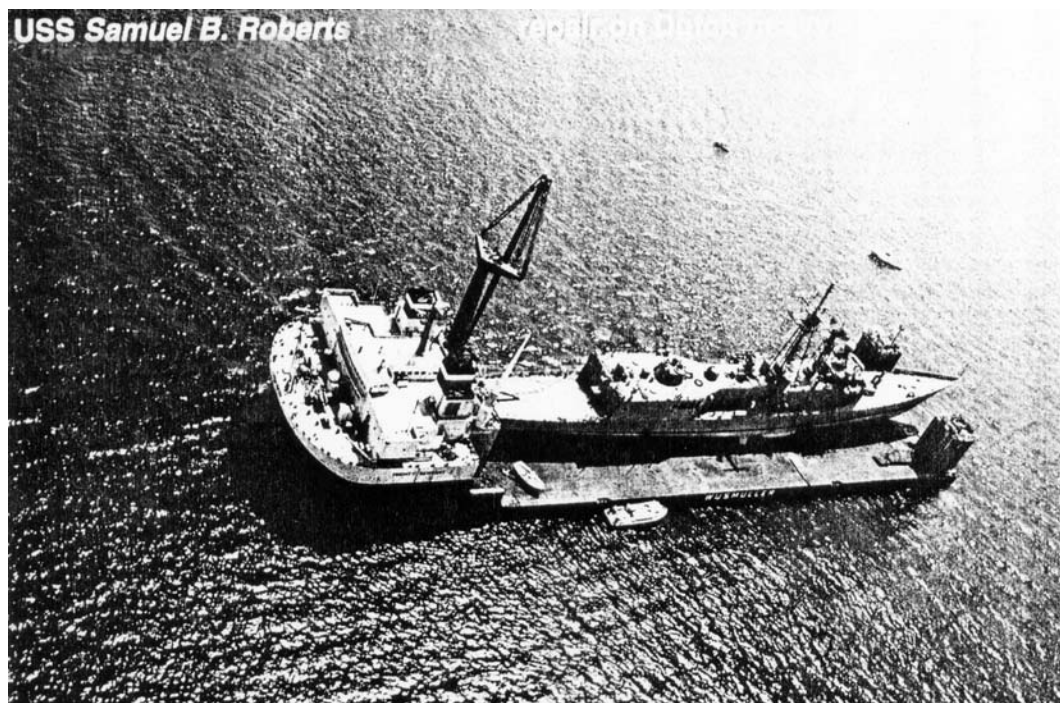
نیز در عملیات‌های چریکی و تروریستی درگیر بودند.^{۲۶} هم‌چنین، کویت مجبور بود این واقعیت‌ها را نیز در نظر بگیرد که هنوز حدود چهارصد هزار فلسطینی در این کشور ساکن‌اند و نظرات امارات متحده عربی نیز باید مهم شمرده شوند، چرا که این کشور به افزایش فعالیت نظامی ابرقدرت‌ها در خلیج فارس تمایلی نداشت و کویت نیز قسمت اعظم نفت خود را با نفتکش‌های اجاره‌ای در حال تردد بین بندر خورفکان در امارات (نزدیک تنگه هرمز) و کویت صادر می‌کرد؛ ناوگانی که از ۲۲ کشتی با پرچم کویت و چهل فروند کشتی اجاره‌ای تشکیل شده بود و به دلیل پایین نگه داشتن حق بیمه کویت و بیمه جریان نفت از آن انتقاد می‌شد.^{۲۷}

همه این عوامل باعث شد که کویت به واکنش‌های شدید بالقوه داخلی و خارجی ناشی از پیشنهاد پرچم‌گذاری مجدد امریکا و تهدید فزاینده ایران، در برابر اعلام توافق شوروی برای پرچم‌گذاری پنج فروند از نفتکش‌های کویت عکس‌العمل نشان دهد؛ بنابراین، درخواست خود از امریکا مبنی بر پرچم‌گذاری شش فروند از نفتکش‌هایش را تا دوم مارس به تأخیر انداخت.

تهدید ناگهانی کویت مبنی بر گسترش نقش نیروی دریایی شوروی در خلیج فارس به واکنش عجولانه امریکا منجر شد. در ۷ مارس، امریکا به کویت اعلام کرد که از همه

این موضوع باعث شد که کویت پذیرش پیشنهاد امریکا را به تأخیر بیندازد. در بررسی این تأخیر، معلوم شد که کویت مشکلات داخلی و خارجی بسیار داشت، به طوری که مجبور شد در جولای سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) مجلس خود را منحل کند. مقامات پلیس این کشور نیز در نوامبر سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) اعلام کردند که حدود ۲۶۸۹۸ نفر طی چند سال گذشته از کشور اخراج شده‌اند. البته، منابع موثق این ارقام را بین چهل تا پنجاه هزار نفر اعلام کردند که شامل ایرانیان شیعه، تعداد بسیاری از فلسطینیان و روزنامه‌نگاران خارجی مقیم کویت بودند. هرچند کویت مدعی بود بیشتر این شیعیان به یک حزب زیرزمینی طرفدار ایران در عراق (حزب الدعوة) وابسته هستند، اما بیشتر آنها را شیعیان بومی تشکیل می‌دادند.

با وجود چنین اخراج‌هایی، تنها حدود ۴۰٪ از جمعیت کویت را شهروندان این کشور تشکیل می‌دادند. از کل جمعیت کویت فقط ۲۲٪ (۷۲۰/۰۰۰ نفر از میان ۷۱ میلیون نفر) متولد آن جا بودند و نزدیک به ۳۳٪ از جمعیت این کشور را شیعیان تشکیل می‌دادند. اصالت بسیاری از شیعیان که اجازه اقامت داشتند، فارس بود و بسیاری از آنها بدون مجوز اقامت از ایران به این کشور مهاجرت کرده بودند.^{۲۵} برخی از اعضای خانواده‌های مهم و قدیمی کویت در گروه‌های طرفدار ایران عضویت داشتند و برخی از آنها



نفتکش های شوروی را اجاره کرده است؛^{۴۹} اقدامی که به عملیات اسکورت نفتکش ها جنبه بین المللی می داد و این امکان را برای کویت فراهم می آورد تا با مشکلات داخلی و منطقه ای ناشی از پذیرش حمایت امریکا مقابله کند.

از دیدگاه کویت، استفاده از پرچم های امریکا و شوروی مزایای دیگری هم داشت: پیام روشنی برای ایران بود مبنی بر این که ناوگان نفتکش های کویتی از حمایت دریایی هر دو ابرقدرت امریکا و شوروی برخوردار است؛ کویت بلافاصله قرارداد دریافت حمایت نظامی مستقیم از ابرقدرت ها را نپذیرفت؛ این که کویت به شوروی بیش از امریکا اعتماد دارد، برای عراق پذیرفتنی تر بود؛ و بالاخره این که موجب شد امریکا و شوروی به منظور یافتن راهی برای پایان دادن به جنگ بیشتر تحت فشار قرار گیرند.^{۵۰}

اما به نظر می رسد کویت نیز همانند امریکا، خطرات ناشی از پرچم گذاری را دست کم گرفته و تقریباً اطمینان داشت که ایران نمی تواند تضمین هر دو ابرقدرت را به چالش طلبد. هم چنین، مطمئن بود که تضمین شوروی و امریکا این کشور را در برابر حملات و تجاوز ایران مصون نگه خواهد داشت و به نظر نمی رسید که کویت احتمال برقراری مجدد روابط دوستانه بین ایران و شوروی یا به مبارزه طلبیدن امریکا از سوی ایران را به همان شیوه ای که در بحران گروگان ها و مداخله امریکا در لبنان انجام شده بود، در نظر گرفته باشد.

افزایش ارباب سیاسی به ارباب نظامی از سوی ایران

ایران نشان داد که قصد دارد منازعه سیاسی خود را پیش ببرد و دولت های دیگر را تحت تأثیر قرار دهد. این کشور با پیشرفت حملاتش به سوی بصره، تلاش های جدیدی را برای ارباب سیاسی منطقه آغاز و زمان آنها را طوری تنظیم کرد که توانست بر کنفرانس سران کشورهای اسلامی، که قرار بود در آخر ژانویه در کویت برگزار شود، فشار غیر مستقیم وارد آورد. در این راستا، یک رشته بمب گذاری های کوچک در بغداد روی داد، چند گلوله توپ به جزیره فیلکه کویت اصابت کرد و در ۲۰ ژانویه، سه قسمت از تأسیسات نفتی کویت به آتش کشیده شد. شواهد نشان می دهند که ایران مخفیانه می کوشید تا بنادر کویت را مین گذاری کند.^{۵۱}

معلوم نیست که آیا فشارهای ایران در عملکرد همسایگانش مؤثر واقع شد یا نه، ولی احتمالاً چنین



یازده فروند نفتکش کویتی، که قبلاً موضوع آن مطرح شده بود، حمایت خواهد کرد. در مقابل، کویت نیز، در ۱۰ مارس، این طرح را به صورت آزمایشی پذیرفت. در ۱۲ مارس، دولت ریگان کنگره را در جریان این طرح قرارداد و در ۱۹ مارس، گزارش کار خود را به صورت محرمانه به ستاد کمیته امور خارجی کاخ سفید و سنا ارائه کرد. هم چنین در ۱۷ مارس سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۵/۱۲/۲۶) در یادار کراو*، رئیس ستاد مشترک ارتش، را واداشت تا بر تعهد نظامی امریکا مبنی بر حمایت از نفتکش های کویتی تأکید کند.^{۴۸}

در نتیجه، در ۲۲ مارس، کارکنان شرکت کشتیرانی نفتی کویت و افسران نیروی دریایی خاورمیانه ای امریکا در خلیج فارس گفت وگوهای خود را درباره روند حمایت و ارتباطات اضطراری آغاز کردند. این گفت وگوها به اندازه کافی موفقیت آمیز بودند و ریچارد مورفی، معاون وزیر خارجه در امور خاور نزدیک و آسیا، گزارش کارهای طبقه بندی شده خود را در ۳۰ مارس، به کمیته امور خارجه کاخ سفید و در ۳۱ مارس، به کمیته نیروهای مسلح سنا ارائه کرد.

در ۲ آوریل ۱۹۸۷ (۱۳۶۶/۱/۱۳)، کویت قرارداد رسمی پرچم گذاری را با امریکا به امضا رساند، اما هنوز این کشور احتیاط می کرد که ترتیبش با امریکا بیش از حد لازم عمومی نشود و هم چنان بر این واقعیت تأکید داشت که

* Admiral Crowe

ارباب‌هایی ضرورت نداشت. کشورهای جهان عرب یکپارچه نبودند و دولت‌هایی، مانند امارات متحده عربی و قطر می‌کوشیدند بیش از این، درگیر جنگ نشوند. نشست وزیران خارجه کشورهای اسلامی در فوریه ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) در کویت، در زمینه مسائل خلیج فارس نتیجه مهمی در پی نداشت و حاصل آن، فقط راه‌حل‌ها و ابتکارات جدید و شعارگونه برای رسیدن به صلح بود؛ زیرا، الجزایر و لیبی عملاً مانع پرداختن به مسائل مربوط به جنگ شدند و از سوی دیگر، سوریه نیز تنها بر مشکلات اعراب و اسرائیل تأکید می‌کرد.

ایران هم چنان به کویت فشار می‌آورد تا بیش از این از عراق حمایت نکند و بر عراق نیز فشار می‌آورد تا حمله به تأسیسات نفتی ایران را متوقف کند. در ماه آوریل، شیعیان طرفدار ایران به یک سلسله اقدامات اعتراض‌آمیز دست زدند. این اقدامات به حدی رسید که دولت کویت دریافت این مشکلات از جانب شیعیان خود این کشور است، نه عوامل خارجی. بدین ترتیب، اعتراف کرد که ۲۵ نفر از شیعیان بومی خود را به جرم اقدامات تروریستی دستگیر کرده است. در این راستا، دولت کویت یک وزیر شیعه را از مقام خود برکنار کرد و دوستانه‌ترین شیعیان را که در صنعت نفت پست‌های حساس داشتند، اخراج کرد.

خطراتی که کویت به دلیل خرابکاری‌های داخلی و خارجی با آنها روبه‌رو بود در ۲۲ ماه می، آشکارتر شد. در این روز، مخزن ذخیره پروپان در پالایشگاه الاحمدی نزدیک شهر فحاحل به آتش کشیده شد؛ آتشی که سه روز روشن بود و هم چنان زبانه می‌کشید. در واقع، طی دو سال این دومین اقدام برای آتش زدن پالایشگاه مزبور بود. هدف از این آتش‌سوزی، منفجر کردن شش مخزن ۴۵۰۰۰۰ بشکه‌ای بوتان و پروپان بود. نکته مهم آن که کل این تأسیسات نفتی و حتی قسمتی از شهر فحاحل نیز در معرض تهدید آتش قرار داشتند.

اما به نظر می‌رسد که ایران در پیش‌بینی واکنش کویت به این فشار به اشتباه دچار شد. خانواده سلطنتی کویت احساس کرد که تهدید سیاسی، ایدئولوژیکی و نظامی ایران جدی‌تر از آن است که کویت توانایی دفع آن را داشته باشد؛ بنابراین، این کشور با جلب موافقت آمریکا و شوروی برای اسکورت نفتکش‌هایش به مقابله با این تهدید برخاست و در اول آوریل سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶/۱۲)، طی یک توافق رسمی، سه فروند از نفتکش‌های شوروی را اجاره کرد.^{۵۲}

هم‌چنین در ۴ آوریل سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶/۱۵)، شانزده نفر

کویت را به جرم ایجاد یک شبکه خرابکاری به نام نیروهای حضرت محمد (ص) برای بمب‌گذاری در حوزه‌های نفتی کویت به پای میز محاکمه کشاند. علی‌رغم تلاش‌های انجام شده برای متوقف کردن محاکمه و چند تظاهرات کوچک اعتراض‌آمیز، این محاکمه تا ۶ ژوئن ادامه یافت. دادگاه امنیت کشور کویت شش نفر از متهمان را به دلیل کارشکنی و خرابکاری به مرگ محکوم کرد.^{۵۳} هفده نفر بمب‌گذار شیعه را نیز به جرم حمله به سفارت‌خانه‌های آمریکا و فرانسه و تأسیسات نفت کویت در مارس سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۲) زندانی نمود و در ادامه این سیاست، در جولای سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶)، سه نفر از این تروریست‌ها را اعدام کرد.

در این میان، ایران به تهدید کشورهای جنوب خلیج فارس ادامه داد و محل استقرار دو تا چهار یگان کامل موشک کرم ابریشم را در نزدیکی تنگه هرمز به پایان رساند و تا اواسط آوریل ۱۹۸۷ (۱۳۶۶)، دست کم دوازده پرتابگر موشک‌های کرم ابریشم، بیست فروند موشک آماده و حدود ۲۸ فروند موشک ذخیره دیگر در دست اقدام داشت. در عمل، تنها مشکل پرتاب این موشک‌ها کمبود قطعات اصلی آن بود که خود این مطلب نیز جای بحث داشت. یکی از این یگان‌ها که در آوریل آن سال کشف شده بود، از جزیره قشم در کناره تنگه هرمز، به پایگاه هوایی بندرعباس در سواحل شمال غرب تنگه هرمز، انتقال داده شد تا تحت حمایت موشک‌های زمین به هوا قرار گیرد. یگان دیگر در شرق کوهستک قرار داشت. موشک‌های مزبور با دقت متوسط و مواد منفجره معمولی در کلاهکشان، منطقه‌ای به وسعت ۶۴ کیلومتر را پوشش می‌دادند. البته، با دقت و مواد منفجره کم‌تر، بردشان تا ۷۵ کیلومتر نیز می‌رسید.^{۵۴}

هم‌چنین، باید یادآور شد که ایران ایجاد یک سایت یگان موشکی جدید را در انتهای جنوبی شبه جزیره فاو آغاز کرد. سایت موشکی مزبور این امکان را به ایران می‌داد تا شهر کویت و بندر آن را زیر آتش خود داشته باشد و از این طریق، فشار خود را بر کویت و تردد نفتکش‌هایش افزایش دهد.^{۵۵} نکته دیگر این که ایران بدون جلب توجه، در چهار جزیره خلیج فارس یگان‌های در خورتوجهی از نیروی دریایی سپاه را مستقر کرد.

۱. برای جزئیات بیشتر ر. ک. به:

the author's *The Iran.Iraq War: 1984.1987*, London, Jane's 1987.

2. *Washington Post*, July 8, 1985, and December 7, 1986, U.S. Senate Select Committee on Intelligence. Report on Preliminary Inquiry, January 28, 1987, p.4; Tower Commission Report, New York, Bantam and Times Books, 1987, pp-19-24.

3. *Washington Post*, December 7, 1986, p-A-25.

4. U-S- Senate Select Committee on Intelligence, Report on preliminary Inquiry, January 29, 1987, pp. 1-2; Tower Commission Report, New York, Bantam and Times Books, 1987, pp. 23-26.

۵. بعدها آشکار شد که سه نفر اخیر از اواسط ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) درباره ابتکار ایران بحث کرده بودند.

6. *International Herald Tribune*, January 30, 1988, p.3-7.

7. U.S. Senate Select Committee on Intelligence, Report on Preliminary Inquiry, January 29, 1987, pp.4-8; Tower Commission Report, New York, Bantam and Times Books, 1987, pp.28-31.

۸. فرد رید در ۹ سپتامبر ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۶/۱۸)، جوزف جیمز سیسیپیو در ۱۲ سپتامبر و ادوارد تریسی در ۲۱ اکتبر ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۷/۲۹) ربوده شدند. در هر سه مورد، وزارت خارجه آمریکا گروه‌های طرفداران ایران را مسئول این اقدام دانست. نتیجه صرف این موضوع، ایجاد تعادل میان تعداد گروگان‌های آزاد شده و جدیداً به گروگان گرفته شده بود. ر. ک. به:

Washington Post, December 7, 1986, p.A.25. See the Tower Commission Report, New York, Bantam and Times Books, 1987, pp.153-334, for full details.

9. *Jane's Defense Weekly*, November 29, 1986, pp. 1256-1258; and *Washington post*, December 7, 1986, p. A.25. *Washington post*, December 1, 1986, p.A.7

ژاک شیراک، نخست‌وزیر فرانسه، بعدها اشاره کرد که ایران به ابتکار خود سلاح‌های مشابهی را ساخته و سپس آنها را از رده خارج کرده است. به نظر می‌رسد بیشتر معاملات فرانسه با ایران در این مدت شامل کشتی‌های بزرگ توپدار بود که پیش از بازگشت مجدد دولت محافظه کار فرانسه به قدرت، ساخته شده بودند و بیشتر آنها بدون اطلاع دولت فرانسه معامله شده بودند.

10. *Washington Post*, December 7, 1986.

11. U.S. Senate Select Intelligence Committee, Report on Preliminary Inquiry, January 29, 1987, pp. 18-20; Tower Commission Report, New York, Bantam and Time's Books, 1987, pp.34.49 and 227-334.

12. U.S. Senate Select Intelligence Committee, Report on Preliminary Inquiry, January 29, 1987, p.22.

13. *Washington Times* and *Christian Science Monitor*, February 16, 1986.

14. *Washington Post*, February 11, 1986; *Economist*, February 15, 1986.

۱۵. مشخصاً هر موشک تاو شانزده هزار دلار برای ایران هزینه داشت، در

حالی که قیمت معمولی آن حدود شش هزار دلار بود. هزینه اضافی به شورشیان کنترا و دلانان اسلحه می‌رسید. (واشنگتن پست، ۷ دسامبر ۱۹۸۶ ص ۵۲-۸) تا آن زمان، جریان اسلحه از منابع دیگر نیز به صورت چشمگیری افزایش یافته بود. بعدها از مجاهدین خلق [منافقین] خبر رسید که مرسولات تسلیحاتی امریکا در ۴ جولای در فرودگان تهران، به زمین نشست. مجاهدین [منافقین] گزارش دادند که هواپیمای مذکور یک هواپیمای ۳۳۱G - ۸۷۰۷ Race به شماره پرواز ۳۳۴۵۵A بوده است و رفسنجانی و سرهنگ جاویدان از بخش لجستیک وزارت دفاع ترتیب دهنده این پرواز بوده‌اند (هفته‌نامه جینز دیفنس ۲۲ نوامبر ۱۹۸۶ صفحه ۱۲۰۵) برای گزارش اجمالی ماجرا ر. ک. به:

The U.S Senate Select Intelligence Committee, Report on Preliminary Inquiry, January 29, 1987, pp. 20-30 and 32-39.

16. *Washington Post*, December 7, 1986, pp. A.30 to A.31.

الشرع اعلام کرد که فرستاده امریکا از تهران دیدن کرده و قطعات اصلی تانک و رادار را با استفاده از چهار هواپیمای باری ۱۳۰-C از طریق فیلیپین به ایران فرستاده است. ر. ک. به:

Washington Post, November, 1986, p. A.15; *Newsweek*, November 17, 1986; *Time*, November 17, 1986, pp. 49.52; *Aviation Week*, November 17., 1986, pp. 16-18; U.S. Senate Select Intelligence Committee, Report on Preliminary Inquiry, January 29, 1987, p.38; *Tower Commission Report*, New York, Bantam and Times Books, 1987, pp. 51 and 414-449.

۱۷. سردبیر الشرع بعدها اظهار کرد که این خبر از طریق یکی از اعضای دفتر منتظری منتشر شده است. وی گفت که این ماجرا از کشور سوریه نشئت نگرفته؛ زیرا، انتشار آن مجله در آن زمان در سوریه متوقف شده بود.

Washington Post, December 7, 1986; *Baltimore Sun*, December 14, 1986, p.18A; *Economist*, November 1, 1986, pp. 43-44; *Washington Times*, October 29, 1986, p.6A; Barry Rubin. 'My Friend Satan', *New Republic*, December 15, 1986, pp.14-15.

18. *Washington Times*, November 25, 1986, p. 5A; *abd Washington Post*, December 6, 1986, p.A.13.

19. *Washington Post*, December 7, 1986, p. A.25.

۲۰. پایه این محاسبات اعداد و ارقام ارائه شده از سوی یواس سنتکام (USCENTCOM) است محاسبات ارائه شده در بیشتر گزارش‌های غربی اندکی متفاوت‌اند. بسیاری از مطبوعات از داده‌های ایران و عراق استفاده می‌کنند که غالباً دقیق نیستند.

21. Larry Dickerson, "Iranian Power Projection in the Persian Gulf", *World Weapons Review*, August 12, 1987, p.7.

۲۲. وضعیت عملیاتی این موشک‌ها چندان مشخص و قطعی نیست و برخی از منابع انبارهایی را با حداقل هفت موشک گزارش داده‌اند.

۲۳. برآوردهای به عمل آمده درباره تعداد مین‌های کار گذاشته شده به هیچ وجه قطعی نیستند و این برآوردها بیشتر تعداد مین‌های زمینی را با تعداد مین‌های دریایی موجود اشتباه می‌گیرند. تعداد مین‌های دریایی کار گذاشته شده ایران تقریباً هزار مین تماسی بود که شوروی در اوایل دهه ۱۹۰۰ ساخته

تا این فاصله غیرفعال می ماند. این فاصله برای ردیابی و از بین بردن آنها با برخی از موشک های زمین به هوا کافی است، اما برای نابودی آن امکاناتی لازم است که علیه این موشک که در ارتفاع پایین حرکت می کند، موثر باشد.

28. *Chicago Tribune*, July 8, 1987, p.1.1; *Baltimore Sun*, July 7, 1987; *U.S. News and World Report*, July 6, 1987, p.41.
29. *New York Times*, January 20, 1987, p. A.1; *Philadelphia Inquirer*, January 21, 1987, p.5A; *Observer*, January 25, 1987; *Washington Times*, February 5, 1987, p.7A; *Baltimore Sun*, March 1, 1987, p.24.

بسیاری از این حملات خارج از آب های ایران در آب های ساحلی امارات متحده عربی صورت گرفتند و به نظر می رسد که برای شناسایی اهداف مورد نظر تلاش چندانی صورت نگرفت. برای نمونه، ووجیانگ کشتی متعلق به جمهوری خلق چین بود که محموله آن هیچ ارزشی نظامی نداشت.

۳۰. موشک سی کیلر نخستین بار در سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۲)، به مرحله عملیاتی رسید. و پیش از سقوط شاه به ایران فروخته شده بود. این موشک با ۷۰۱ متر طول و ۲۰/۶ سانتی متر قطر، موشک نسبتاً سبکی است. سیصد کیلوگرم وزن و کلاهک نیزه مانند هفتاد کیلوگرمی آن قدرت انفجار بالایی دارد. حداکثر برد هوا به زمین آن نیز ۲۵ کیلومتر است و در هنگام پرتاب از زمین برد آن شش کیلومتر است که چهار کیلومتر آن برد مفید می باشد. این موشک، موشکی سطحی است که در سه تا چهار متری روی آب حرکت می کند. و معمولاً از طریق پرتوهای راداری به هدف خود می رسد، اما در محیط های پارازیتی، می توان آن را با امواج رادیویی نیز هدایت کرد. موشک های سی کیلر ایران هم از بالگردها و هم از عرشه کشتی قابل پرتاب بودند. پرتابگر این موشک در روی عرشه به هر چهار طرف قابل تنظیم بود و می توانست با رادارهای ایکس باند (X-band) و رادارهای کونیکال اسکن (Conical Scan) و رایانه های موجود در بسیاری از کشتی های کوچک جنگی هماهنگ شوند. گونه دیگر این موشک ها که از بالگرد شلیک می شود، می تواند در بالگردهای معمولی نیز نصب شود. هر چند این موشک اساساً برای استفاده در بالگردهای آگوستا/سیکوراسکای اس اچ - ۳ دی (Agusta/Sikorsky SH-3D) و ای بی ۲۱۲ طراحی شده بودند. سیستم هلی برن شامل MM/APQ۶۰۷ صفحه کنترل موشک، رایانه هدایتگر، رابط فرماندهی (Command Link)، تعقیب گر اپتیکی (Optical tracker)، نمایشگر خلبان و موشک سی کیلر/مارت (Marte) است.

وزن سیستم هلی برن ۸۶۵ تا ۱۱۶۵ کیلوگرم است که سیصد تا ششصد کیلوگرم آن به یک یا دو موشک، چهارصد کیلوگرم آن به نمایشگر شلیک، ۱۴۳ کیلوگرم آن به رادار و ۲۲ کیلوگرم آن به تعقیب گر اپتیکی مربوط است. امکان دارد موشک مستقیماً از یک بالگرد در حال پرواز در ارتفاع متوسط شلیک شود. هم چنین، بالگرد می تواند بعد از پیدا کردن هدف خود بر روی رادار، ارتفاع خود را تا سطحی پایین تر از دید رادار کشتی کاهش دهد و سپس ارتفاعش را افزایش داده و موشک را شلیک کند.

31. *Washington Times*, February 5, 1987, p.7A.

۳۲. در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹)، یگان گشت آرملازا چهار کشتی جنگی تشکیل شد. اما در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱)، به دو کشتی کاهش یافت؛ زیرا، انگلستان مجبور بود در آتلانتیک جنوبی حضور دائمی داشته باشد. یک فروند ناوشکن از نوع ۴۲ معمولاً برای تأمین دفاع هوایی میان برد و یک فروند

بود و سپس کره شمالی اندکی آنها را تغییر و بهبود داده به ایران فروخت. ۲۴. یگان های نیروی دریایی سپاه بین فوریه و اواخر جولای ۱۹۸۷ (۱۳۶۶)، هفده حمله شناخته شده را علیه کشتی های بی طرف انجام دادند.

25. *Jane's Defense Weekly*, July 4, 1987, p.1417; *Chicago Tribune*, July 12, 1987, p. 1; *Washington Post*, July 26, 1987, p. A.25; *World Weapons Review*, August 12, 1987, p.7.

۲۶. این برآوردها بر اساس منابع موسسه مطالعات استراتژیک (ISS) است. *Military Balance: the Jaffe Center Middle East Military Balance, and Jane's Defense Weekly*, July 11, 1987, p.15.

۲۷. موشک های کرم ابریشم، گونه تغییر یافته موشک های CSS-N-۲ ساخت شوروی یا موشک های ضدکشتی STYX بودند که چین در تابستان ۱۹۸۶ ارسال آنها را آغاز کرد. جمهوری خلق چین سیستم این موشک ها را با نام های ینگ-۲ HY-۲ کرم ابریشم طراحی کرد. این موشک ها می توانند هم بر سکوها متحرک و هم بر سکوها ثابت سوار شوند. ایران از ترکیبی از این دو استفاده کرد، یعنی هم تجهیزات سیار و هم مخفیگاه ها و ریل های ویژه پرتاب را به کار برد. در این روش، سکوها پرتاب از قبل آماده می شوند تا برد دقیق و جایگاه حسگرها مشخص شود و موشک بر روی ریل پرتاب چرخدار یا شیاردار حرکت می کند. با چنین اقدامی، این امکان فراهم می شود که موشک ها، وسایل پرتاب و ون های پشتیبانی در موقعیت های پراکنده قرار بگیرند تا از خطر حمله در امان باشند و در صورت نیاز به سکوی پرتاب حمل شوند. هر واحد شلیک از چهار پرتابگر موشک، دو مورد را دارند.

موشک کرم ابریشم را شرکت چینی CPMIEC تولید می کند و طبق استانداردهای غرب، چندان پیشرفته نیست و به مدت بیست سال بر روی کشتی های چینی بوده است و فقط از ۱۹۸۴ (۱۳۶۲) به بعد، به خارج از کشور صادر شده است. این موشک ۶/۵ متر طول و ۷۵ سانتی متر قطر دارد. وزن آن ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ کیلوگرم است و کلاهک آن ۵۰۰ کیلوگرم یا ۱۱۰۰ پوند وزن دارد. وزن کلاهک این موشک هفت برابر کلاهک موشک سی کیلر و سه برابر کلاهک آگروسه است. بیشترین برد این موشک ۹۵ کیلومتر می باشد و با سه سیستم هدایتگر متفاوت عرضه می شود: سیستم HY۲ از طریق یک رادار در سکوی پرتاب، هدف را ردیابی می کند، موشک HY-2A از طریق اشعه مادون قرمز شمارشگرهای الکترونیکی را از کار می اندازد و سیستم HY-2G از رادارهای پایانه ای (Inal Radavs Term) و رادارهای ارتفاع سنج (Altimet Radars) استفاده می کند.

برد موثر این موشک از چهل کیلومتر کم تر است، اما اگر از کشتی یا هواپیما برای شلیک آن استفاده شود و سیستم رادار هدایتگر آنها هدف را ردیابی کند. برد موثر آن به هفتاد تا هشتاد کیلومتر می رسد. چین چنین امکانات راداری را به ایران فروخت تا در برخی از کشتی ها و هواپیماهایش از آنها استفاده کند.

این موشک در عرض شش دقیقه بعد از شلیک به هدف واقع در بردش می رسد هم چنین، می تواند خود را به ارتفاع ۱۴۵ متری برساند و سپس تا ارتفاع سی متری پایین بیاید. نخستین خطاری که هدف دریافت می کند، زمانی است که موشک در انتهای مسیر خود است و دیگر در پشت انحنای زمین پنهان نمی ماند و اگر رادار فعال باشد، این دیدن در ۱۶ تا ۳۲ کیلومتری هدف ممکن است. اگر رادار از نوع اشعه مادون قرمز باشد موشک در ده کیلومتری قابل رویت است؛ زیرا، جستجوگر مادون قرمز

جیمز وب (James H. Webb)، وزیر نیروی دریایی، در جولای ۱۹۸۷ به واینبرگر، وزیر دفاع، آشکار شد. در این یادداشت، از این ابراز نگرانی شده بود که امریکا بدون برآورد خطرات، محدودیت‌های موجود در پیش‌پای نیروها یا توانایی پیش‌بینی روند جنگ، نیروی عظیمی در منطقه فراهم آورد. و به سوی باتلاق کشیده شود.

Phliadelphia Inquirer, September 6, 1987, p.9A.

۴۳. اقدام برای پرچم‌گذاری مجدد نفتکش‌های کوییتی هم از سوی وزارت خارجه و هم وزارت دفاع امریکا شدیداً پشتیبانی شد NSDD نوشته شده در ماه می ۱۹۸۴ نیز از این سیاست حمایت می‌کرد و NSDD هایی که در ژوئن ۱۹۸۴ به امضا رسید، تاکید داشت که باید سیاست امریکا اقدامات لازم برای بازنگه داشتن تنگه هرمز را تعیین کند.

Washington Post, August 28, 1987, p.A.16.

۴۴. این فرض که شوروی قابل اعتمادتر است، کاملاً هم بدون دلیل نبود. پیش از این، دولت ریگان چندین بار قول خود را مبنی بر تأمین سیستم‌های دفاع هوایی شکسته بود. در نوامبر سال ۱۹۸۶، امریکا پنهانی با ایران مذاکراتی داشت و ایران از این کشور خواست که به عنوان بخشی از معامله سلاح در برابر گروگان، کویت را تحت فشار قرار دهد تا هفده تروریست شیعه را آزاد کند. این افراد کوییتی شیعیان لبنانی طرفدار ایران بودند که از سال ۱۹۸۴ دستگیر شده و یکی از دلایل حمایت ایران از اقدام به گروگانگیری بودند. تعهدات سرهنگ الیونورث و معاونش، سرگرد رابرت ارل (Robert Earl)، به دولت ایران باعث شد که امریکا ایران را به آزادی گروگان‌ها متقاعد کند.

Washington Post, August 28, 1987, p.A.1.

۴۵. نخستین بیانیه را رئیس‌جمهور ریگان در ۲۵ فوریه صادر کرد و به دنبال آن، واینبرگر اعلامیه‌هایی را صادر کرد که نخستین آنها در ۲۲ مارس صادر شد. امریکا جزئیات ساختار موشکی ایران را در طول ماه مارس آشکار کرد.

New York Times, March 21, p.4, March 24, 1987, p.A.1; *Washington Post*, March 23, 1987, p.A.19; *Economist*, April 18, 1987, p.39.

46. *New York Times*, June 19, 1987, p.A.1.

47. *Washington Post*, May 5, 1987, p.A.1.

48. Casper W.Weinberger, *A Report to Congress on Security Arrangements in the Persian Gulf*, Department of Defense, June 15, 1987, p.5.

49. *New York Times*, June 16, 1987, p.A.11.

50. *Washington Times*, April 14, 1987, p.6A; *Washington Post*, May 5, 1987, p.A.1, and May 14, 1987, p.A.27; *chicago tribune*, April 18, 1987, p.Q.8; *Economist*, April 18, 1987, p.39.

51. *Observer*, January 25, 1987.

52. *Washington Post*, June 5, 1987, p.A.1.

53. *Washington Post*, June 7, 1987, p.A.24; *Washington Times*, June 8, 1987, p. 4D; and *New York Times*, June 19, 1987, p.A.1.

۵۴. حداکثر برد رادارهای زمین پایه برای موشک‌های کرم ابریشم حدود ۴۲ کیلومتر است و اگر این رادار در یک کشتی یا در یک هواپیما نصب شده باشد، برد طولانی‌تری خواهد داشت.

55. *Washington Times*, April 24, 1987, p.12A.

ناوشکن نوع ۲۲ یا یک فروند ناوچه کلاس لندر (Leander. Class) دارای موشک سی ولف (Sea Wolf) همواره برای تأمین توان ضد موشکی تعیین می‌شود. فقط کشتی‌های تحت پرچم انگلستان یا بیش از ۵۰۵ کشتی مربوط به این کشور واجد شرایط حمایت انگلستان هستند، اما این کشور اجازه می‌دهد کشتی‌های دیگر نیز به کاروان تحت حمایت آن بپیوندند. از نظر تکنیکی کشتی‌های جنگی انگلستان به جای اسکورت کشتی‌های باری آنها را همراهی می‌کنند. اسکورت نشان دهنده وجود شرایط جنگی است.

Jane's Defense Weekly, May 2, 1987, p.824, *Christian Science Monitor*, January 21, 1987, p.1; *Washington Post*, January 28, 1987, p.A.1.

33. *Washington Post*, March 24, 1987, p.A.25, and August 23, 1987, p.12.

۳۴. مین‌های شناور مهم‌ترین مشکل خلیج فارس در آن دوره بودند. نیروی دریایی قطر و دیگر کشورها به طور مرتب این مین‌ها را با توپ دریایی از بین می‌بردند.

Jnae's Defense Weekly, May 2, 1987, p. 824; *Wahsington Post*, march 24, 1987, p.A.25.

35. Caspar W.Weinberger, *A Report to Congress on Security Arrangements in the Persian Gulf*, Department of Defense, June 15, 1987, p.5.

۳۶. سیاست محافظه کارانه کویت به کاهش تولید و کسر بودجه منجر شد. در آمد این کشور از صدور نفت در سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۳)، ۱۲۲۸ میلیارد دلار، در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴)، ۱۰۴۶ میلیارد دلار و در ۱۹۸۶ (۱۳۶۵)، ۶۳۸ میلیارد دلار بود. هر چند این کشور ظرفیت تولید حدود سه میلیون بشکه را در روز دارد و چهل میلیارد دلار در صندوق ذخیره خود دارد و ۱۰٪ در آمد دولت را هر سال دریافت می‌کند. کویت این پول را به منزله پشتوانه کشور تا سال ۲۰۰۱ نگه می‌دارد. باید یادآور شد این کشور یکی از بزرگترین سرمایه‌گذارهای انفرادی در غرب است. مالک تاسیسات نفتی بزرگی، مانند سانتافه انترنشنال (Santa Fe International) در غرب است و پالایشگاه‌های بزرگ و ناوگان نفتکش‌ها را در اختیار دارد و در قسمت پایین نفت سرمایه‌گذاری کرده است. اکنون، فقط ۱۰٪ از درآمد کویت به نفت خام بستگی دارد و بقیه آن به محصولات دست‌پایین متکی است.

Washington Post, July 5, 1987, p.A.1; *Christian Science Monitor*, July 10, 1987, p.9; *Wall Street Journal*, June 25, 1987, p.1, July 23, 1987, p. 26;

37. *See War in the Persian Gulf: The U.S. Takes Side*, Staff Report to the Committee on Foreign Relations, U.S. Senate, November/ 1987, for the background to the Chronology presented in this chapter.

38. *Washington Post*, June 5, 1987, p.A.1.

39. *Washington Post*, August 28, 1987, p.A.16.

۴۰. کویت هر گونه حمایت نظامی مستقیم از عراق را انکار می‌کند

- *Washington Times*, June 22, 1987, p.A.6.

۴۱. اینها شامل برآورد اطلاعاتی بین سازمانی از خطر نبودند. این برآوردها چند ماه بعد به عمل آمدند واقعیت این بود که چندین نفر از اعضای برجسته کنگره اعتراضات خود را آشکار اعلام کردند.

Washington post, July 5, 1987, p.A.1; *Philadelphia Inquirer*, June 28, 1987, p.2E; *Washington Times*, May 8, 1987, p.8A.

۴۲. این موضوع بعدها با ارسال یک یادداشت شدیداً انتقادی از سوی